



پژوهشکده شورای نگهبان

# مشرح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۵ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۴۰

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۲۰



پژوهشکده شورای نگهبان

## شناسنامه

عنوان:

**مشروح مذاکرات شورای نگهبان  
جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۵ شورای نگهبان**

ویراستاران و مستندسازان: محمد حسن باقری

و حمیدافکار

بازبینان:

علی زمانیان جهرمی و عباس حسن خانی

ناظر علمی:

کاظم کوهی اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۴۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۲۰

پژوهشکده شورای نگهبان



## جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۵ شورای نگهبان

### فهرست مطالب

۲	.....مقدمه
۳	.....نطق پیش از دستور
۴	..... طرح الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه
	..... لایحه موافقتنامه همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور
۵۶	.....فدراسیون روسیه

## مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به‌وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به‌موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به‌موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به‌موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی‌شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی‌شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به‌طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

### نطق پیش از دستور

**آقای جنتی -** السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التي حلت بفنائک  
 علیکم منّا سلام الله ابدأ ما بقینا و بقی اللیل و النهار. با عرض تسلیت به  
 مناسبت ایام عاشورای حسینی، ایام عزاداری سالار شهیدان حضرت  
 ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) و با تقدیر و تشکر از مردم عزیزمان و  
 دستگاه‌های برگزارکننده مراسم ۱۳ آبان؛ بحمدالله [این مراسم‌ها] به نحو  
 احسن و به طوری که برای بسیاری باورنکردنی بود، برگزار شد و مثل  
 همیشه این تظاهرات مردمی بسیاری از توطئه‌ها را خود به خود خنثی  
 می‌کند و حرف‌هایی را که برخی افراد می‌زنند و مسائلی که گاهی بر  
 خلاف مصلحت نظام صحبت می‌کنند، رشته‌های مهمی آنها را بر باد  
 می‌دهد. مقام معظم رهبری هم [از این حضور مردم در مراسم‌ها] خیلی  
 خوشحال شده بودند، همین طور همه‌ی بچه‌های انقلابی [هم خوشحال  
 شده بودند] و در مقابل دشمنان هم خیلی ناراحت و عصبانی شده بودند.  
 خدا ان شاء الله به این مردم خیر دنیا و آخرت عطا کند که هر وقتی که  
 فراخوان شدند با همه مشکلاتی که دارند، در عین حال در صحنه‌ها حضور  
 پیدا می‌کنند و رسالت خودشان را اعمال می‌کنند و پیام خودشان را به دنیا  
 می‌رسانند.

### طرح الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه

**منشی جلسه -** بسم الله الرحمن الرحيم. اولین دستور جلسه‌ی امروز بررسی «طرح الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه»<sup>(۱)</sup> است. در ماده واحده این مصوبه آمده است: «ماده واحده- یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۸ به شرح زیر الحاق می‌شود: تبصره- در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند.»

**آقای علیزاده -** آقای مجید انصاری [معاون رئیس جمهور در امور مجلس] هم نامه‌ای به شورای نگهبان نوشته که در آن، همان حرف‌های دولت را تکرار کرده و می‌نویسد: «مطابق مفاد طرح تصویبی، رئیس قوه قضائیه می‌تواند مستقیماً لوایح قضایی را پس از انقضای مهلت سه ماهه دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. با عنایت به نص صریح اصل (۷۴) قانون اساسی که اشعار می‌دارد: لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود، مصوبه مزبور به لحاظ عدم رعایت فرآیند تصویب و تقدیم لایحه به مجلس مغایر با اصل (۷۴) قانون اساسی بوده و از آن جهت که لوایح تهیه شده توسط قوه قضائیه نوعاً متضمن بار مالی خواهد بود، ارائه آن مستقیماً توسط رئیس قوه قضائیه خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.»<sup>(۲)</sup>

ایشان در بخشی دیگر از این نامه گفته است: «در بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی صرفاً تهیه لوایح قضایی به عنوان یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه پیش‌بینی و لحاظ گردیده است نه تصویب و تقدیم آن به مجلس، لذا به نظر می‌رسد از این حیث نیز

۱. طرح الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۳۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۹۸/۴۷۲۴۳ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۱ و ۱۳۹۲/۸/۱۵، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۲۱۹ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. نامه‌ی شماره ۱۳۴۵۷۳ مورخ ۱۳۹۲/۸/۷ آقای مجید انصاری؛ معاون رئیس جمهور در امور مجلس به شورای نگهبان.

مصوبه مجلس مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی باشد. مطابق نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای محترم نگهبان: لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. لذا از این حیث نیز مصوبه واجد ایراد می‌باشد.»

### آقای مؤمن - منظور ایشان از نگارش این نامه چیست؟

**آقای علیزاده -** هیچی! حرف ایشان خیلی دقیق نیست. ما هفته‌ی گذشته هم در این باره بحث کردیم. من تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی را می‌خوانم. البته ما به دلیل اصرار آیت‌الله هاشمی شاهرودی [در زمان ریاست ایشان بر قوه قضائیه] این تفسیر را ارائه کردیم. محتوای این تفسیر این است که هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه‌ی قضایی به مجلس تقدیم نماید. «لویح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هر گونه تغییر مربوط به امور قضایی در این گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.»<sup>(۱)</sup> در واقع هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه‌ی قضایی به مجلس تقدیم کند. حالا دولتی‌ها می‌گویند، شورای نگهبان خودش در نظریه‌ی تفسیری که از اصل (۱۵۸) قانون اساسی ارائه داده، گفته است هیئت دولت نمی‌تواند لوایح قضایی را تغییر بدهد و باید آنها را به مجلس بفرستد. سؤال دیگری که در اینجا مطرح است، این است که آیا رئیس جمهور می‌تواند بگوید من اصلاً لوایح قضایی را بایگانی می‌کنم [و به مجلس نمی‌فرستم]؟ اگر رئیس جمهور لایحه‌ای قضایی را به مجلس نفرستاد، چه می‌شود؟ من ماده (۳) «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه» مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ را می‌خوانم: «دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می‌شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید». البته تصویب این قانون مربوط به قبل از تفسیر ما از اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی است.

نمایندگان مجلس [در مصوبه‌ی فعلی خود]، یک تبصره به ماده (۳) همین قانون اضافه کرده‌اند: «تبصره- در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و

۱. بند (۳) نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان درباره‌ی اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی.

ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند.»

**آقای جنتی -** اعضای مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان در قم، اظهار نظرهای خوبی درباره‌ی این مصوبه داشته‌اند که علتش این است که در این باره خیلی بحث کرده‌اند. دلایل آنها در مغایرت و عدم مغایرت این مصوبه با قانون اساسی هم خیلی پخته به نظر می‌رسد. اکثریت اعضای این مجمع گفته‌اند که این مصوبه خلاف قانون اساسی است. البته تعدادی از آنها هم گفته‌اند خلاف قانون اساسی نیست. هر دو گروه هم ادله‌ی خودشان را بیان کرده‌اند.<sup>(۱)</sup> نظرات کارشناسی مجمع مشورتی فقهی درباره‌ی این مصوبه خیلی خوب است.

**آقای علیزاده -** در بخش ابتدایی نظر کارشناسی مجمع مشورتی - فقهی آمده است: «نظر اکثر اعضا این بود که طرح مذکور خلاف اصل (۷۴) قانون اساسی می‌باشد. توضیح اینکه استدلال اکثر اعضا این بود که مستفاد از اصل (۷۴) قانون اساسی آن است که قانونی شدن یک لایحه متوقف بر تصویب هیئت وزیران و ارسال آن توسط هیئت وزیران به مجلس می‌باشد و اگر این لایحه توسط هیئت وزیران به مجلس ارسال نگردد عنوان قانونی پیدا نمی‌کند و لذا طرح مذکور خلاف اصل (۷۴) قانون اساسی می‌باشد.

در مقابل نظر بعضی از اعضا این بود که از اصل (۷۴) قانون اساسی دو مطلب استفاده می‌شود:

۱- قانونی شدن یک لایحه متوقف بر تصویب هیئت وزیران می‌باشد.

۲- همه لوایح باید از طریق هیئت دولت به مجلس تقدیم گردد.

لکن آنچه در بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی آمده است، آن است که از وظایف رئیس قوه قضائیه تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی می‌باشد و معنای این بند، مجرد پیشنهاد لایحه نیست بلکه با توجه به قید «متناسب با جمهوری اسلامی» منظور، تهیه لایحه حساب شده‌ای می‌باشد که اختیار آن با رئیس قوه قضائیه بوده و معنای آن این است که رئیس قوه قضائیه لایحه‌ای را آماده نموده و پایان یافته حساب نموده و تمام شده دانسته است و هیئت وزیران نیز حقی در تصرف در آن ندارد. این بخش از نظر مجمع که گفته است دولت حق تصرف در لوایح قضایی را ندارد مطابق

۱. اظهار نظر کارشناسی شماره ۶۶۰/ف/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، مندرج در گزارش جلسه ششصد و پنجاه و پنجم این مجمع. ([www.shora-rc.ir](http://www.shora-rc.ir))



تفسیر ما است؛<sup>(۱)</sup> گفته دولت حق تصرف در لوایح قضایی را ندارد. اگر ما در مخالفت با این مصوبه بخواهیم به اصل (۷۴) قانون اساسی استناد کنیم، شما نمی‌توانید بگویید چرا؛ چون هیئت وزیران ضمن اینکه اختیار دارد لوایح را تصویب کند، اختیار دارد که مفاد آنها را تغییر بدهد، اصلاً اختیار دارد هر کار می‌خواهد بکند، اما در لوایح قضایی، گفتیم اختیاری ندارد. این تفسیر ما است و درست هم می‌باشد.

در ادامه‌ی این نظر کارشناسی آمده است: «و در نتیجه بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی نوعی مخصّص نسبت به مطلب اول مستفاد از اصل (۷۴) قانون اساسی می‌باشد.

و جهت عمل به مطلب دوم مستفاد از اصل (۷۴)، رئیس قوه قضائیه لایحه خود را از طریق دولت به مجلس تقدیم می‌نماید و رعایت این مسئله یک امری تشریفاتی بوده و هیئت وزیران حقی در تصرف در لایحه قضایی ندارد و صرفاً طریقی برای ارسال می‌باشد. و بناءً علیه اگر دولت به مطلب دوم مستفاد از اصل (۷۴) قانون اساسی عمل ننمود؛ یعنی دولت به وظیفه خود مبتنی بر ارسال لایحه قوه قضائیه به مجلس عمل ننمود، این قضیه موجب نمی‌گردد که اصل این وظیفه مهممل مانده و زمین بماند و در این راستا طرح مصوب مجلس این وظیفه را بر عهده خود رئیس قوه قضائیه نهاده است». البته ارسال لایحه‌ی قضایی به مجلس را به عهده‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه گذاشتن، خلاف اصل است. نظر من بر این است که لایحه‌ی قضایی باید از طریق وزیر دادگستری به مجلس برود، رئیس قوه‌ی قضائیه خودش نمی‌تواند لایحه‌ای به مجلس بفرستد؛ چون قوای سه‌گانه رابط دارند و رابط بین این سه قوه هم وزیر دادگستری است.

**آقای جنتی -** حالا این مسئله‌ی دیگری است؛ شما اصل موضوع را درست کنید.

**آقای علیزاده -** در ادامه گفته‌اند: «در مقابل نظر اکثر اعضا این بود که عمل نمودن دولت به اصل (۷۴) قانون اساسی موجب نمی‌شود که مصوبه‌ای برخلاف این اصل تصویب شده و لایحه قوه قضائیه بدون تصویب هیئت وزیران و از کانالی غیر از کانال هیئت وزیران به مجلس تقدیم گردد و به عبارت دیگر مستفاد از اصل (۷۴) قانون اساسی انحصار طریق ارسال و تقدیم لوایح از راه ارسال توسط هیئت وزیران می‌باشد و به همان بیانی که قانونی شدن یک لایحه منحصر در تصویب دولت می‌باشد - هر

۱. بند (۳) نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان درباره‌ی اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی.

چند این انحصار توسط بند (۲) اصل (۱۵۷) تخصیص خورده است - به همان بیان نیز استفاده می‌شود که طریق واسطه، منحصر در ارسال دولت می‌باشد.

لکن جواب بعضی از اعضا به این شبهه آن بود که اصل (۷۴) قانون اساسی در مقام بیان یکپارچگی و یکنواخت بودن لوایح ارسالی به مجلس می‌باشد و اگر دولت خود به این یکپارچگی عمل ننمود، در واقع به وظیفه‌ای که به عهده او نهاده شده است عمل ننموده است و وقتی دولت به وظیفه طریقی بودن خود عمل ننمود دیگر مانعی وجود ندارد که لایحه مستقیماً توسط قوه قضائیه به دولت فرستاده شود.

به عبارت دیگر غرض، کامل شدن لایحه قانونی می‌باشد و مستفاد از اصل (۷۴) قانون اساسی انحصار طریق ارسال نیست بلکه مجرد وظیفه‌ای است که به عهده دولت نهاده شده است و وقتی دولت به این وظیفه مبنی بر ارسال لایحه به مجلس اقدام نکرد، رئیس قوه قضائیه مستقیماً اقدام به ارسال لایحه به مجلس می‌نماید و در ارسال این لایحه توسط قوه قضائیه مخالفت با وظیفه محوله به دولت در اصل (۷۴) انجام نشده است بلکه این دولت است که به این وظیفه عمل ننموده و رئیس قوه قضائیه در راستای زمین نماندن این لایحه، آن را مستقیماً تقدیم مجلس می‌نماید.

همچنین نظر بعضی از اعضا این بود که مستفاد از اصل (۷۴) قانون اساسی آن است که تصویب هیئت وزیران شرط قانونی شدن یک لایحه می‌باشد و از مجرد تعبیر به «تهیه لوایح قضایی» در بند (۲) اصل (۱۵۸) این مطلب استفاده نمی‌شود که احتیاجی به تصویب هیئت دولت نمی‌باشد و تصویب رئیس قوه قضائیه کافی در قانونی شدن لایحه می‌باشد و لذا وجهی برای تخصیص زدن اصل (۷۴) توسط اصل (۱۵۸) نمی‌باشد.

در مقابل نظر بعضی از اعضا این بود که چه بسا تهیه لایحه به معنای کامل شدن آن می‌باشد و قرینه و شاهد این ادعا اصل (۱۰۲) قانون اساسی یعنی وجود حق تهیه طرح‌ها توسط شورای عالی استان‌ها و ارسال مستقیم به مجلس می‌باشد که از آن استفاده می‌شود که منظور از تعبیر به «تهیه لوایح»، کامل بودن لایحه و عدم توقف آن بر تصویب هیئت وزیران می‌باشد.

مضافاً اینکه از تعبیر «متناسب بودن با جمهوری اسلامی» در لوایح قضایی تهیه شده توسط رئیس قوه قضائیه این مطلب استفاده می‌شود که هیئت دولت حقی در تصرف در لایحه ارسالی توسط رئیس قوه قضائیه نداشته و لایحه ارسالی توسط رئیس قوه قضائیه،

لایحه قانونی کامل بوده و قانونی بودن آن متوقف بر تصویب هیئت وزیران نمی‌باشد.»

**آقای جنتی -** این مسلم است که هیئت دولت حق تصرف در لوایح قضایی را ندارد، منتها بحث همین است که آیا قوه قضائیه [مستقلاً] حق ارسال لایحه قضایی به مجلس را دارد یا ندارد؟

**آقای علیزاده -** دولتی‌ها می‌گویند شما آمدید اصل اینکه هیئت دولت اختیار تصویب لوایح قضایی را داشته باشد برداشتید و گفتید دولت اختیار تغییر در این لوایح را ندارد. اصل اینکه ما می‌گوییم لایحه قضایی باید به دولت برود؛ یعنی باید دولت از بدو تا ختمش حق اظهار نظر داشته باشد؛ یعنی بتواند بگوید من این قسمت از لایحه را قبول دارم، این قسمت را قبول ندارم، اینجا را تغییر می‌دهم و اینجا را بدون تغییر باقی می‌گذارم. اگر آنها این حرف را در هر جای دیگر و در هر موردی بگویند، ما می‌گوییم خلاف است و نمی‌توانید این را بگویید. ما در مورد لوایح قضایی این طور تفسیر کردیم - قانون مصوب مجلس هم که به تأیید شورای نگهبان رسیده، همین را می‌گوید - که آنچه رئیس قوه قضائیه [به عنوان لایحه قضایی تهیه می‌کند]، دولت باید همان لایحه را به مجلس بفرستد؛ طبق ماده (۳) «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه» که در سال ۱۳۷۸ تصویب شده است<sup>(۱)</sup> دولت باید لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه شده است به مجلس بفرستد. گفتیم که دولت نمی‌تواند هیچ تغییری هم در این لوایح بدهد.<sup>(۲)</sup> ما تا اینجا بحث را قبول داریم و حال آنکه اگر ما این لایحه را طبق اصل (۷۴) قانون اساسی می‌پذیرفتیم، باید دولت می‌توانست همه کار در لوایح قضایی انجام دهد؛ یعنی این لوایح را تغییر هم بدهد.

**آقای مدرسی یزدی -** نه.

**آقای علیزاده -** چرا؛ ما [به همین دلیل]، در شورای نگهبان تا به حال بیست جا به مصوبات مجلس ایراد گرفته‌ایم.

۱. ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه، مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸: «دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می‌شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.»

۲. بند (۳) نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان درباره اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی.

**آقای مدرسی یزدی -** بله.

**آقای عزیزاده -** پس معلوم است که ما آن اختیاری که در اصل (۷۴) قانون اساسی برای دولت قائلیم، برای او درباره‌ی لوایح قضایی قائل نیستیم.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، بعد لوایح قضایی را استثنا زدیم.

**آقای عزیزاده -** ما حالا باید بگوییم که رئیس قوه‌ی قضائیه حق دارد لایحه‌ی متناسب با نظام جمهوری اسلامی تهیه کند و برای هیئت دولت بفرستد. دولت هم حق ندارد در لایحه‌ی قضایی تغییری ایجاد کند و فقط می‌تواند نظر خودش را بگوید که من در مورد این ماده این نظر را دارم، ولی به هر حال دولت ملزم است لایحه‌ی قضایی را به مجلس بفرستد. کسی که ملزم به انجام کاری بوده، به وظیفه‌ی خودش عمل نکرده، حالا ما بیاییم بگوییم آن کار سر جای خودش بماند! فرض این است که لایحه‌ای که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه شده است طبق اصل (۱۵۸) قانون اساسی یک لایحه‌ای است که متناسب با نظام قضایی جمهوری اسلامی است و باید عملی شود. دولت هم ملزم است که آن را بدون تغییر به مجلس شورای اسلامی بفرستد، منتها دولت می‌گوید من لایحه‌ی قضایی را به مجلس نمی‌فرستم. اگر دولت از انجام این کار خود استنکاف کرد، شما فقط می‌گویید او متخلف است؟! آیا می‌توان گفت این هم مثل جایی است که من ملزم هستم کاری را انجام دهم و اگر انجام ندهم متخلف هستم؛ یا مثل اجرای قانون، که اگر قوه‌ی مجریه قانونی را اجرا نکرد، فقط متخلف محسوب می‌شود؟!

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، کار [دولت] را یکی دیگر انجام بدهد؟!

**آقای عزیزاده -** بله، در مورد بحث دستور اجرای قانون، ماده (۱) قانون مدنی را داریم [که پیش‌بینی کرده اگر رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ قانون استنکاف کرد، رئیس مجلس شورای اسلامی، دستور انتشار آن را در روزنامه رسمی می‌دهد].<sup>(۱)</sup> هر عملی

۱. ماده (۱) قانون مدنی اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴: «ماده ۱- مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، منتشر نماید.

تبصره- در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.»

که کسی باید انجام دهد و از انجام آن مستنکف باشد، دو تا ضمانت اجرا دارد: یک ضمانت اجرای حقوقی و یک ضمانت اجرای کیفری.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اینها مصلحت است نه ضمانت.

**آقای علیزاده -** نه، اینها مصلحت نیست. طبق موازین مسلم حقوقی، عملی که مثلاً من ملزم به انجام آن هستم باید دو ضمانت اجرا داشته باشد: یک ضمانت اجرای حقوقی، که چون من به حکم تکلیفی خود عمل نمی‌کنم، مجازات می‌شوم؛ یکی هم اینکه وضعیت آن کار و وظیفه‌ی من باید درست شود؛ یعنی زمانی که من از انجام وظیفه‌ی خود امتناع می‌کنم یک نفر دیگر را می‌گذارند جای من تا امتناع من را جبران بکند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** قانون اساسی باید این خلأ را پر کند.

**آقای علیزاده -** طبق اصل (۱۲۳) قانون اساسی: «رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی، امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.» خب، اگر رئیس جمهور این کار را نکرد؛ یعنی گفت چون من این قانون را قبول ندارم، آن را ابلاغ نمی‌کنم، چه می‌شود؟ طبق ماده (۱) «قانون مدنی» و تبصره‌ی آن (اصلاحی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴) که گفته است: «ماده ۱- مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید. تبصره- در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید»، رئیس جمهور باید قوانین را برای اجرا، ابلاغ کند. در اینجا با اینکه قانون اساسی برای ابلاغ قوانین توسط رئیس جمهور مدت تعیین نکرده است [با این حال، قانون مجلس این کار را انجام داده و مدت پنج‌روزه برای رئیس جمهور قرار داده است]، حالا اگر رئیس جمهور قانون را برای اجرا ابلاغ نکرد، رئیس مجلس شورای اسلامی طبق قانون می‌تواند آن قانون را به روزنامه رسمی بفرستد و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی هم موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، آن را منتشر نماید. البته این ماده‌ی قانون مدنی، ابتدا در سال ۱۳۶۱ اصلاح

شد،<sup>(۱)</sup> ولی دوباره در سال ۱۳۷۰ هم اصلاح شد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اینکه شما می‌فرمایید چون آنجا مصوبه‌ی مجلس است، رئیس مجلس می‌تواند آن را ابلاغ کند.

**آقای علیزاده -** بله خب، باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مصوبه‌ی مجلس، مصوبه‌ی خودشان است؛ [لذا اختیار دستور انتشار آن را در صورت استنکاف رئیس جمهور، به رئیس مجلس داده‌اند.] آن موضوع، اساساً یک امر تشریفاتی است.

**آقای علیزاده -** این لایحه‌ی قضایی هم تازه می‌خواهد به مجلس برود. آنکه شما می‌فرمایید، تبدیل به مصوبه شده است ولی این لایحه هنوز به تصویب مجلس هم نرسیده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** لایحه‌ی قضایی در اینجا با آن مصوبه‌ی مجلس خیلی فرق می‌کند.

**آقای علیزاده -** آقای دکتر ره‌پیک، شما نظرتان را بفرمایید.

**آقای ره‌پیک -** من جلسه‌ی گذشته نکاتی را عرض کردم که الآن بعضی‌هایش را تکرار می‌کنم و بعضی نکات را هم جدید عرض می‌کنم. خب، مستندات این بحث روشن است. یکی، نص و منطوق اصل (۷۴) قانون اساسی و دیگری هم بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی که روشن است دارای مفهوم است و دیگر اینکه از نظر حقوقی و قانون اساسی هم در موارد مختلف بین «تهیه» و «تصویب» فرق گذاشته شده است. اصل (۷۴) قانون اساسی طریق ورود پیشنهاد به مجلس را روشن کرده است؛ طریق ورود پیشنهاد به مجلس شورای اسلامی یا به‌وسیله‌ی لایحه است یا به‌وسیله‌ی طرح‌های قانونی است و بنابراین، اگر طرح یا لایحه‌ای بخواهد غیر از این طریق به مجلس پیشنهاد شود باید قانون اساسی به آن تصریح بکند. مثلاً یک‌جا در اصل (۱۰۲) قانون اساسی در مورد شورای عالی استان‌ها اشاره شده است که: «شورای عالی استان‌ها حق

۱. ماده (۱) قانون مدنی اصلاحی ۱۳۶۱/۱۰/۸: «ماده ۱- مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ابلاغ و رئیس جمهور باید ظرف پنج روز آن را امضا و به دولت ابلاغ نموده و دولت موظف است ظرف مدت ۴۸ ساعت آن را منتشر نماید.»

تبصره- در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ به دولت در مهلت مقرر، دولت موظف است مصوبه یا نتیجه همه‌پرسی را پس از انقضای مدت مذکور، ظرف چهل و هشت ساعت منتشر نماید.»

دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد». پس به طور کلی راه ورود پیشنهاد به مجلس یا لایحه‌ی قانونی است که دولت آن را به مجلس می‌دهد و یا طرح قانونی است که نمایندگان مجلس ارائه می‌دهند. بنابراین اگر راه ورود پیشنهاد به مجلس بخواهد غیر از اینها باشد، باید در قانون اساسی به آن تصریح شده باشد که در این خصوص، تنها در یک جا به این موضوع تصریح شده است [و آن هم در اصل ۱۰۲ قانون اساسی است]. در اصل (۱۵۸) قانون اساسی که درباره‌ی وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه می‌گوید: «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی»، اگر مقصود از «تهیه» در این اصل، تهیه و تصویب و تمام فرآیند مربوط به یک لایحه است، خب در موارد دیگر هم باید همین طور باشد. شما اگر الآن به هر دانشجوی حقوق عمومی یا حقوق اساسی بگویید که راه ورود پیشنهاد به مجلس چیست، در جواب می‌گوید لایحه‌ی دولت یا طرح نمایندگان. این یک اصل است دیگر، همه هم همین را می‌گویند و چیز دیگری جز این نداریم. اگر مورد استثنایی غیر از این وجود دارد باید قانون اساسی آن را تصریح کند مثل اصل (۱۰۲) قانون اساسی. این اصل می‌گوید: «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند». بنابراین اینکه ما بگوییم تهیه‌ی لوایح قضایی یعنی هم «تهیه» و هم «تصویب»، خب این خلاف نص و ظاهر قانون اساسی است و واقعاً به هیچ وجه نمی‌توان آن را توجیه کرد. الآن همه‌ی بحث‌هایی که دوستان می‌کنند این است که اگر هیئت دولت لایحه‌ی قضایی را به مجلس نداد باید چه کار کنیم. این یک حرف دیگری است. ما باید اولاً در خود قانون اساسی بگردیم ببینیم، آیا تضمین‌هایی برای حل اختلاف قوا یا مواردی که کسی به وظیفه‌اش عمل نکند پیش‌بینی شده است یا نه؛ اگر پیش‌بینی شده است، خب همان طرق ملاک است و باید از آنها استفاده شود؛ اگر در این باره چیزی پیش‌بینی نشده است، خب راهش این نیست که ما جعل حکم کنیم؛ چون این جعل حکم، خلاف نصوص و ظواهر قانون اساسی است. علاوه بر این موضوعی که عرض کردم، فرستادن لایحه‌ی قضایی به مجلس توسط رئیس قوه‌ی قضائیه یک تالی فاسدهایی هم دارد. یعنی اگر هر مرجعی نظری می‌دهد که مرجع بعدی باید پیگیری کند، ولی مرجع

بعدی پیگیری نکند، مرجع اول خودش باید وارد کار شود؟ در مورد همه‌ی نهادها می‌شود این حرف را زد؟ آن دفعه هم عرض کردم، مثال این مورد این است که مجلس شورای اسلامی بگوید چون مجمع تشخیص مصلحت نظام فلان قانون را به مصلحت نظام تشخیص نداده است یا بررسی آنها طولانی شده است، من خودم درباره‌ی آن تشخیص مصلحت می‌دهم؛ چون آنها به پیشنهاد من عمل نکرده‌اند. یا مثلاً نمایندگان مجلس بگویند چون هیئت رئیسه‌ی مجلس به طرحی که ما ارائه دادیم رسیدگی نکردند، پس ما خودمان طریقی برای تصویب طرحمان پیش‌بینی می‌کنیم و به همان عمل می‌کنیم. تفسیر قانون اساسی تفسیری مضیق است و چارچوب آن هم معلوم است. بعد هم این تفسیر، فلسفه دارد. معمولاً لوایح و طرح‌ها و پیشنهادهایی که می‌رود و قانون می‌شود اینها بار مالی و اداری دارند، فعلاً هم که بر اساس قانون اساسی، مسائل مالی و بودجه و مسائل اداری در اختیار قوه‌ی مجریه است. خب لایحه‌ی قضایی باید به هیئت دولت برود و آنها هم درباره‌ی آن نظر بدهند و اگر لایحه نیاز به اصلاح داشت، آن را برگردانند تا قوه‌ی قضائیه آن را اصلاح کند. اگر لوایح قضایی مستقیماً به مجلس برود باب اختلاف و دعوا و این جور بحث‌ها را پیش می‌آورد. ملاحظه بفرمایید همین ماده واحده‌ای که الآن به شورای نگهبان آمده است، خود این ماده واحده که قوه‌ی قضائیه و پیشنهاددهندگان در مجلس تنظیم کرده‌اند، مستندش چیست؟ خودشان قائل به این هستند که طبق اصل (۷۴) قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه باید لایحه‌اش را به دولت بدهد، غیر از این که نیست. خود آنها هم می‌گویند قوه‌ی قضائیه باید لایحه‌اش را به دولت بدهد. خب، حالا اگر هیئت دولت لایحه‌ی قضایی را به مجلس نداد چه می‌شود؟ شورای نگهبان در این باره یک تفسیری کرده و گفته است، دولت ملزم است لایحه‌ی قضایی را به مجلس بدهد<sup>(۱)</sup>. تفسیر شورای نگهبان بیش از این نیست که گفته دولت در تقدیم لوایح قضایی به مجلس الزام دارد، اما اینکه اگر هیئت دولت لایحه‌ی قضایی را به مجلس نفرستاد چه باید بکنیم [در این تفسیر، چیزی گفته نشده است]. خب، خیلی وقت‌ها به خاطر وجود اختلافات به وظایف عمل نمی‌شود. اگر مجلس به وظیفه‌اش عمل نکند چه کار

۱. بند (۳) نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان درباره‌ی اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی.



باید کرد؟ اگر دولت به وظیفه اش طبق قانون اساسی عمل نکند چه کار باید کرد؟ یک راه حلش هماهنگی قوا و رفع اختلاف قوا است و دیگر اینکه اگر کار خیلی پیچیده شد دیوان عالی کشور از باب تخطی از وظایف قانونی مسئله را بررسی کند، مجلس از رئیس جمهور سؤال کند، استیضاح کنند و کارهای دیگری که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. اینها تضمین‌هایی است که در قانون اساسی برای انجام وظایف نهادهای مختلف پیش‌بینی شده است. در خود این مصوبه دارد می‌گوید من قبول دارم که دولت مرجعی است که برای تقدیم لوایح قضایی به مجلس باید از طریق او عمل کرد؛ لذا آنها به قانونی که قبلاً تصویب کرده‌اند این تبصره را اضافه کرده‌اند. این تبصره می‌گوید که لایحه‌ی قضایی باید به دولت فرستاده شود و از آنجا به مجلس بیاید، منتها این ذیلش را دیگر از کجا آورده است؟ اینکه گفته است: «در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید رئیس قوه قضائیه می‌تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند» از کجا آمده است؟ تنها مستند این ذیل این است که ما می‌خواهیم برای یک مشکل یک راه حل پیدا کنیم ولی آنها در واقع دارند [این نظر را به قانون اساسی] تحمیل می‌کنند. در هیچ نص و عبارتی از قانون اساسی چنین چیزی وجود ندارد.

تنها چیزی که دوستان در حمایت از مصوبه‌ی فعلی به آن اشاره می‌کنند و در این نظر اقلیت اعضای مجمع مشورتی فقهی هم به آن اشاره شده، این است که آن «تهیه‌ای» که در بحث لوایح آمده است، چون در اینجا بحث درباره‌ی لایحه‌ی قضایی است، این «تهیه» شامل تصویب هم می‌شود. این حرف انصافاً خلاف ظاهر قوی قانون اساسی است؛ در هیچ جایی از قانون اساسی «تهیه» به معنای تصویب نیست. اصل (۱۰۲) قانون اساسی درباره‌ی همین شورای عالی استان‌ها که قبلاً عرض کردم هر دو مورد تهیه و پیشنهاد را ذکر می‌کند: «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.» در واقع شورای عالی استان‌ها طرح‌هایی که تهیه کرده است را باید مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. خود قانون اساسی این مطلب را در این اصل تصریح کرده است، اما اگر تصریح نمی‌کرد، طرح‌های شورای عالی استان‌ها هم تابع همان قاعده‌ی کلی می‌شد که همه‌ی لوایح باید به دولت برود و

دولت درباره‌ی آنها نظر بدهد. حالا نتیجه‌ی این حرف چه می‌شود؟ برخی دوستان می‌گویند که این کار خلافی است که لوایح قضایی به دولت می‌رود. [نماینده‌ی] دولت باید به مجلس برود و در آنجا حرفش را درباره‌ی لوایح قضایی بزند، اما این واقعاً کار را خیلی پیچیده می‌کند؛ چون معمولاً این طور است که این طرح‌ها و لوایح، بار مالی و مسائل اداری دارد. حالا اینها بحث‌های خارج از اصول قانون اساسی است؛ یعنی بحث فلسفه‌ی اصول قانون اساسی و توجیه آن است. ما الآن می‌خواهیم برای یک شبهه، دفع دخل مقدر بکنیم، ولی آنچه که واقعاً کسی که وارد به قانون اساسی است از این قانون استنباط می‌کند این است که الآن عرض کردم. ما در درس‌های حقوقی، حقوق اساسی و درس‌های مختلف حقوق عمومی، اصلاً چنین طریقی برای تقدیم لایحه‌ی قضایی به مجلس نداریم که طرح یا لایحه‌ای غیر از طریقی که خود قانون اساسی تصریح کرده است، خارج از طریق مجلس و قوه‌ی مجریه، به مجلس پیشنهاد شود. البته این استظهاری است که سال‌ها است از قانون اساسی می‌شود. من هم فهمی که خودم از این موضوع دارم را عرض می‌کنم. این فهم به خاطر تجربه‌ای است که از تدریس و تحقیق در خصوص قانون اساسی به دست آمده است. البته دیگران هم چیز دیگری غیر از این، استنباط نمی‌کنند. حالا عیبی هم ندارد اگر غیر از این، چیز دیگری استنباط بشود، منتها در صورتی که این استنباط‌ها توجیه داشته باشد، مستند داشته باشد؛ ولی علی‌القاعده این ماده واحده این اشکالات را دارد و به نظر ما واقعاً اگر این ماده واحده و قوانین مشابه آن تصویب بشود، دیگر سنگ روی سنگ بنا نمی‌شود و هر قوه‌ای برای خودش در مورد مسائل بودجه و امور استخدامی و مالی هر کاری خواست، می‌کند. برای حل آن مشکل [=عدم ارسال لایحه‌ی قضایی توسط دولت به مجلس]، باید فکر دیگری کنیم و ببینیم چه راهی برای رفع آن وجود دارد. باید طریقی حل آن را پیدا کنیم. به هر حال اگر مشکلی هست، طریقتش این چیزی است که در این مصوبه آمده است، نیست.

**آقای مؤمن** - مسئله‌ای که جناب آقای دکتر ره‌پیک فرمودند که شورای نگهبان گفته است، دولت حق ندارد در آنچه رئیس قوه‌ی قضائیه به عنوان لایحه تهیه کرده است، تغییری بدهد؛ خب، اگر دولت این حق را ندارد، باید به این مطلب هم توجه کرد که بر اساس تفسیر شورای نگهبان قهراً لایحه‌ای که رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه می‌کند با لایحه‌ای که

شورای عالی استان‌ها تهیه می‌کند، تفاوت دارد؛ چون اگر [اینها با هم مشابه باشند، بنابراین] قوه‌ی قضائیه هم صرفاً باید لایحه‌ای را که تهیه می‌کند به هیئت دولت بفرستد؛ چون کار قوه‌ی قضائیه هم بیش از تهیه کردن لایحه‌ی قضایی نیست و هیئت دولت خودش باید به موجب اصل (۷۴) قانون اساسی لایحه‌ی قضایی را تصویب کند و حتی می‌تواند این لوایح را کم و زیاد کند. با این حساب، اینکه شورای نگهبان در تفسیرش گفته است آنچه را که رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه می‌کند، هیئت دولت حق تغییر آن را ندارد از کجا می‌گویند؟ این یک مسئله‌ای نیست که از اصل (۷۴) فهمیده بشود. آنچه دکتر ره‌پیک فرمودند که اگر از هر دانشجو یا حقوقدانی بپرسیم می‌گوید، لوایح حتماً باید از طریق هیئت دولت به مجلس برود، خوب این هم با عدم دخالت دولت در متن لوایح قضایی جور در نمی‌آید. خوب، اگر [قطب به اصل (۷۴) نظر کنیم و بگوییم] مرجع ورود لوایح به مجلس، هیئت دولت است، پس قهراً هیئت دولت هم باید بتواند در صورتی که بخواهد در این لوایح تغییری بدهد. ولی اینکه شورای نگهبان می‌گوید دولت نمی‌تواند این کار را بکند و نمی‌تواند لوایح قضایی را تغییر بدهد، این تفسیر به خاطر همان لفظ «متناسب با جمهوری اسلامی ایران» است که در اصل (۱۵۸) قانون اساسی آمده است. در واقع وظیفه‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه‌ی لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران است. این متناسب یعنی چه؟ یعنی این رئیس قوه‌ی قضائیه است که به خاطر احاطه‌ای که بر مسائل قضا دارد، می‌تواند خصوصیات را که در لایحه‌ی قضایی باید اعمال شود به کار ببرد و نباید این طور باشد که آن کسی که نسبت به قوه‌ی قضائیه و مسائل قضایی اطلاعاتی ندارد، نسبت به آن اظهار نظر کند؛ مثلاً وزرایی که در مسائل کشاورزی، برق، صنایع، امور اقتصادی، امور خارجه و اطلاعات تخصص دارند به دلیل اینکه اصلاً به کارهای قضایی احاطه‌ای که باید داشته باشند ندارند، نمی‌توانند در مسائل قضایی اظهار نظر کنند؛ چون تخصص آنها در حوزه‌های دیگری است. به همین دلیل است که آنچه را رئیس قوه‌ی قضائیه به عنوان لایحه‌ی قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران تهیه کرده است، کس دیگری حق دست بردن به آن را ندارد؛ چون تنها اوست که می‌داند چگونه باید امر قضا انجام بگیرد. این معنا باعث می‌شود که برای لایحه‌ای که رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه می‌کند، خصوصیتی به وجود آید که این لایحه را از طرحی که شورای عالی استان‌ها تهیه می‌کند، جدا نماید. از عبارت «متناسب با جمهوری اسلامی ایران» همین فایده استفاده می‌شود. حالا اگر این

فایده‌ای که استفاده و بیان شد را به اصل (۷۴) قانون اساسی ضمیمه کنیم، بحث کامل‌تر می‌شود. همان‌طور که بعضی از همکاران مجمع مشورتی فقهی قم هم گفته‌اند، ما از اصل (۷۴) قانون اساسی دو مطلب استفاده می‌کنیم: یکی اینکه باید «همه‌ی لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم شود». این یعنی اگر لایحه‌ای بخواهد لایحه‌ی قانونی باشد باید هیئت وزیران آن را تصویب کند؛ یعنی اینکه این هیئت وزیران است که از نظر قانونی بودن می‌تواند درباره‌ی لوایح نظر بدهد و آن را «لایحه‌ی قانونی» کند، این یک مطلب؛ مطلب دوم هم اینکه، از عبارت «به مجلس تقدیم می‌شود» در اصل (۷۴) استفاده می‌شود که هیئت وزیران باید لوایح را بعد از تصویب خودش به مجلس بدهد. البته چون ما از قید «متناسب» - که در عبارت بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی آمده است: «از وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه لوایح متناسب با جمهوری اسلامی ایران است» - این‌طور استفاده کرده‌ایم که این قید یعنی این رئیس قوه‌ی قضائیه است که می‌تواند بفهمد چه چیزی باید در لایحه‌ی قضایی بیاید؛ لذا ما در تفسیر خودمان از این اصل گفته‌ایم، هیئت دولت حق تغییر لایحه‌ی را که رئیس قوه‌ی قضائیه تنظیم کرده است ندارد. البته ما این موضوع را در مصوبات اخیر مجلس هم مکرراً بیان کرده‌ایم؛ مخصوصاً این موضوع در مورد «لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز» بیش‌تر بحث شد که اعضای محترم شورا هم در این باره فرمودند چون رئیس قوه‌ی قضائیه حق دارد لوایح قضایی را خودش متناسب با جمهوری اسلامی ایران آماده کند، بنابراین معنا ندارد آیین‌نامه نوشتن برای این لوایح، به هیئت دولت برود، بلکه آیین‌نامه نوشتن در زمینه‌های قضایی نیز باید با موافقت [و تصویب] رئیس قوه‌ی قضائیه باشد. بنابراین اگر در مصوبه‌ای نوشته شده بود که آیین‌نامه‌ی مربوط به امور قضایی توسط هیئت دولت تهیه خواهد شد، ما آن را خلاف بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانستیم. همچنین اگر در مصوبه‌ای گفته شده بود که آیین‌نامه‌ی قضایی بعد از تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه، [برای تصویب] به هیئت دولت برود، گفتیم این مصوبه خلاف قانون اساسی است. همه‌ی این نظرات به خاطر این برداشتی است که ما از بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی داشته‌ایم. ما از این عبارت قانون اساسی که گفته است: «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی»، این‌طور استنباط می‌کنیم که فقط رئیس قوه‌ی قضائیه باید لوایح قضایی را آماده کند؛ چون به طور قطع این رئیس قوه‌ی قضائیه است که می‌تواند آنچه را که با بحث قضا ارتباط دارد از غیر آن تمیز بدهد و نظرش در

این باره، نظر قاطعی است؛ لذا هیئت دولت حق ندارد لوایح قضایی را تغییر بدهد. غیر از این وجه، وجه دیگری وجود ندارد که ما بگوییم هیئت دولت حق ندارد لوایح قضایی را تغییر بدهد. اگر در بحث لوایح قضایی، قوه‌ی قضائیه فقط پیشنهاد دهنده‌ای باشد که صرفاً می‌تواند شبیه لایحه‌ای که شورای عالی استان‌ها تنظیم می‌کند، فقط لایحه‌ی قضایی را به مجلس پیشنهاد کند و حق نداشته باشد در مورد کار قضایی‌اش نظر نهایی بدهد، آن وقت هیئت وزیران هم می‌تواند لوایح قضایی او را تغییر بدهد. روح این حرف ما و تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی به این برمی‌گردد که نظر قوه‌ی قضائیه در مباحث قضایی، نظر نهایی است و در نتیجه هیئت وزیران نمی‌تواند لوایح قضایی را تغییر بدهد. وقتی این طور شد، پس اینکه اصل (۷۴) گفته است لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و این یعنی تمام لوایح قانونی [از جمله لایحه‌ی قضایی] را باید هیئت وزیران تصویب کند، [سخن درستی نیست]. شورای نگهبان می‌گوید هیئت دولت اصلاً حق تغییر و دست زدن به لایحه‌ای که رئیس قوه‌ی قضائیه آماده کرده است را ندارد. این حرف آخر است. وقتی این حرف آخر باشد، پس نتیجه این می‌شود که باید بگوییم اینکه اصل (۷۴) قانون اساسی گفته است: «لویح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود»، به این معنی که یعنی هیئت وزیران باید همه‌ی لوایح را تصویب کند، در مورد لوایح قضایی صحیح نیست. به عبارت دیگر، این وجه و خصوصیتی که برای لوایح قضایی [مستنبط از بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی] گفتیم، مختص صدر اصل (۷۴) می‌شود که از آن این طور استفاده می‌شود که همه‌ی لوایح را هیئت وزیران باید «تصویب» کند. نتیجه‌ی آن خصوصیت این می‌شود که صدر اصل (۷۴) تخصیص بخورد. اما اگر از قسمت دوم اصل (۷۴) که می‌گوید لوایح «به مجلس تقدیم می‌شود»، بخواهیم استفاده کنیم بدین نحو که بگوییم همه‌ی لوایح حتماً باید از طریق هیئت وزیران تقدیم مجلس شود، بر این اساس می‌توان گفت از عموم این حکم اصل (۷۴)، این طور استفاده می‌شود که ارسال لوایح فقط از طریق هیئت وزیران است و این حکم به حال خودش باقی است. ولی به هر حال، صدر این اصل که می‌گوید همه‌ی لوایح را باید هیئت وزیران تصویب کند، [با آن وجهی که در فوق بیان شد، در خصوص لوایح قضایی] تخصیص می‌خورد. از جمع این دو بحث این طور نتیجه می‌گیریم که لوایح قضایی باید از طریق دولت به مجلس تقدیم شود، اما حرف رئیس قوه‌ی قضائیه درباره‌ی لایحه‌ی قضایی

هم حرف آخر است و هیئت وزیران حق اینکه در لوایح قضایی دست ببرد را ندارد. تفسیر شورای نگهبان هم همین است.

**آقای مدرسی یزدی -** در امور قضایی.

**آقای مؤمن -** بسیار خب، در امور قضایی. هیئت دولت حق اینکه دست به لایحه‌ی قضایی بزند را ندارد.

**آقای رهپیک -** البته دولت با جلب نظر رئیس قوه‌ی قضائیه، حق انجام این کار را دارد. **آقای مؤمن -** نخیر، دولت چنین حقی ندارد.

**آقای رهپیک -** شورای نگهبان در نظر تفسیری خود راجع به اصل (۱۵۸) قانون اساسی گفته است: «هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد».<sup>(۱)</sup>

**آقای مؤمن -** نه، دولت حق ندارد لوایح قضایی را تغییر بدهد.

**آقای رهپیک -** عبارت شورای نگهبان این است که با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه، دولت چنین حقی دارد.

**آقای مؤمن -** بله، بنابراین نتیجه‌اش این می‌شود که ما می‌گوییم رئیس قوه‌ی قضائیه حتماً باید لایحه‌ی قضایی را به هیئت دولت بفرستد، اما هیئت دولت نباید لایحه را تغییر بدهد و حتماً باید آن را به مجلس تقدیم کند. به عبارت دیگر - به حساب موازین اصولی که ما از آنها بحث می‌کنیم - نتیجه این می‌شود که آن تکلیفی که بر اساس اصل (۷۴) قانون اساسی به عهده‌ی دولت است از جهت تنظیم، آماده کردن و به پایان رساندن لوایح قانونی، در تقدیم لایحه‌ی قضایی وجود ندارد و این حکم تکلیفی، در اینجا در مورد لوایح قضایی تخصیص می‌خورد؛ یعنی اگر درباره‌ی ارسال لوایح قضایی به مجلس بگوییم هیئت دولت باید ابتدائاً این لوایح را تصویب کند و سپس به مجلس فرستاده شوند، این حرف درست نیست. نخیر، در مورد لوایح قضایی نظر نهایی را خود رئیس قوه‌ی قضائیه می‌دهد. به عبارت دیگر برای هیئت دولت در قبال این لوایح فقط یک تکلیف استفاده می‌شود و آن اینکه لایحه‌ای که رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه می‌کند را به مجلس بفرستد. ما در مورد لوایح قضایی از هیئت دولت تصویب آنها را نمی‌خواهیم و فقط فرستادن این لوایح به مجلس به

۱. بند (۳) نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان در خصوص اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی.

عهده‌ی دولت است. در واقع وظیفه‌ی دولت در اینجا مثل یک حکم تکلیفی می‌شود نه حکم وضعی. به عبارت دیگر شرط اینکه لایحه‌ای که رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه کرده است لایحه‌ای قانونی بشود، تصویب هیئت وزیران نیست بلکه هیئت وزیران فقط وظیفه دارد این گونه لوایح را به مجلس بفرستد؛ اگر دولت لایحه‌ی قضایی را به مجلس بفرستد، به وظیفه‌اش عمل کرده وگرنه به وظیفه‌ی خود عمل نکرده است. بنابراین اینکه شما بگویید شرط قانونی شدن یک لایحه‌ی قضایی این است که هیئت دولت آن را تصویب کند، درست نیست، بلکه لوایح قضایی بدون نیاز به تصویب هیئت دولت، خودش لایحه قانونی است و بنابراین وقتی لایحه‌ای قانونی بود، برای اینکه رئیس قوه قضائیه آن را به مجلس بفرستد مانعی نیست. این یک حرف. یک حرف دیگر هم اینکه آنچه در بخشی از این نظریه‌ی مجمع مشورتی - فقهی آمده، درست بیان نشده است؛ آنچه در گزارش مجمع نوشته شده دقیقاً حرف آن کسی که این حرف را زده، نیست و او این را نگفته بلکه نویسنده‌ی محترم در نگارش خود اشتباه کرده است. حرف آن آقای محترم در مجمع این بود که اصلاً آنچه از اصل (۷۴) قانون اساسی استفاده می‌شود این است که هر لایحه‌ای برای «قانونی شدن» نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد. اما اینکه مفاد این اصل دلالت کند بر اینکه باید کلیه‌ی لوایح را هم هیئت وزیران، خودش به مجلس بفرستد، [چنین چیزی از اصل (۷۴) برداشت نمی‌شود و آن آقای محترم هم چنین چیزی را نگفت]؛ در اصل (۷۴) گفته «به مجلس تقدیم می‌شود» نه اینکه هیئت وزیران آن را به مجلس تقدیم می‌کند. این حرفی که این آقای محترم عضو مجمع مشورتی - فقهی می‌گفته را خدمت شما عرض کردم، اما حرف ایشان در این گزارش متأسفانه درست بیان نشده است. ایشان حرف این گزارش را نگفته است. این نظر را اینجا در این گزارش، بدجور نقل کرده‌اند؛ آنچه ایشان می‌گفت این بود که لوایح قانونی باید پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم شود. هر لایحه‌ای تصویب هیئت وزیران را می‌خواهد، اما چرا برخی می‌گویند هیئت وزیران باید خودش لوایح را به مجلس تقدیم کند؟ طبق اصل (۷۴)، لوایح به مجلس «تقدیم می‌شود»، اما چه کسی باید این لوایح را به مجلس تقدیم کند، جواب این سؤال در اصل (۷۴) قانون اساسی نیامده است. در این صورت، وقتی که ما از بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی این طور استفاده کردیم که یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه «تهیه‌ی لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی» است و خود شورای نگهبان هم گفته است که این تهیه،

تهیه‌ی نهایی است، پس هیئت وزیران هم نمی‌تواند دست به آن بزند و تغییری در آن بدهد. از آن طرف، ما در قانون اساسی هم نداریم که چه کسی باید لوایح را به مجلس تقدیم کند؛ چرا؟ فقط یک جا در اصل (۱۰۲) در بحث شورای عالی استان‌ها داریم که آنها خودشان می‌توانند لوایح خود را به مجلس پیشنهاد کنند، اما آیا در سایر لوایح قانونی هم - که پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود - حتماً باید هیئت وزیران خودش این لوایح را به مجلس تقدیم کند؟ این عضو مجمع مشورتی - فقهی می‌گفت که در اصل (۷۴) قانون اساسی عبارت «تقدیم می‌شود» آمده است نه «تقدیم می‌کنند»؛ این اصل نگفته که هیئت وزیران لوایح قانونی را پس از تصویب به مجلس تقدیم می‌کند که در نتیجه، این کار وظیفه‌ی هیئت وزیران باشد، بلکه اصل (۷۴) گفته لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود. اما اینکه چه کسی باید این لوایح را به مجلس تقدیم کند، در اصل (۷۴) مطلبی در این باره بیان نشده است. همین دیگر، حرف ایشان همین بود. حرف ایشان این بود که در اصل (۷۴) قانون اساسی، اینکه چه کسی باید لوایح را به مجلس تقدیم کند، نیامده است.

**آقای عزیزاده -** تقدیم لایحه به مجلس، کاری اداری است.

**آقای مؤمن -** با مقدماتی که عرض شد، اگر تقدیم لوایح قضایی به مجلس از طریق دولت نباشد، مانعی ندارد. این نظر شبیه همین حرفی است که جناب آقای عزیزاده یا یکی دیگر از آقایان فرمودند. آقای عزیزاده در مورد یکی از مواد «قانون مدنی» که الآن نمی‌دانم کدام ماده بود، فرمودند که این ماده گفته است، اگر رئیس‌جمهور به وظیفه‌ی خودش عمل نکرد؛ یعنی قانونی را جهت انتشار به روزنامه‌ی رسمی ارسال نکرد، رئیس مجلس می‌تواند به جای او آن را به روزنامه‌ی رسمی بدهد و در واقع کار او را رئیس مجلس انجام بدهد. خلاصه، حرفی که این عضو مجمع مشورتی - فقهی می‌زد در مقابل آن حرف اول بود. حرف اول این بود که قبول می‌کنیم اصل (۷۴) قانون اساسی می‌خواهد بگوید که هیئت دولت باید لوایح قانونی را به مجلس تقدیم کند، منتها این اصل به موجب بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی تخصیص می‌خورد. پس لایحه‌ای که رئیس قوه‌ی قضائیه تنظیم می‌کند، لایحه‌ای نهایی است و قید تصویب هیئت وزیران از آن برداشته می‌شود. اما از طرف دیگر از عموم عبارت «به مجلس تقدیم می‌شود» در اصل (۷۴) قانون اساسی می‌فهمیم که لوایح قضایی باید از طریق هیئت دولت به مجلس تقدیم شود. این همان



حرفی می‌شود که شورای نگهبان هم گفته است؛ یعنی هیئت دولت حق ندارد در لوایح قضایی دست ببرد، ولی نباید رئیس قوه‌ی قضائیه هم خودش لایحه‌ی قضایی را به مجلس بفرستد، بلکه باید لایحه را به هیئت دولت بدهد تا هیئت دولت آن را به مجلس بفرستد. اما این آقای محترمی که مطلب اول را بیان می‌کرد، می‌گفت که اصلاً از عبارت «تقدیم می‌شود» در اصل (۷۴) قانون اساسی استفاده نمی‌شود که هیئت وزیران خودش این کار را بکند و لایحه‌ی قضایی را به مجلس بفرستد؛ چون در قانون اساسی نیامده است که چه کسی لوایح قانونی را به مجلس تقدیم کند.

**آقای عزیزاده -** خب، معلوم است که تقدیم لایحه به مجلس یک عمل اداری است.

**آقای مؤمن -** بله، این قاعده‌ای است که فقط یک استثنا در آن هست که آن هم طرح‌های مصوب شورای عالی استان‌ها است که شورا خودش می‌تواند آنها را مستقیماً به مجلس بفرستد. این مطلب را اصل (۱۰۲) قانون اساسی گفته است. در اصل (۱۵۸) قانون اساسی هم فقط گفته شده که لایحه‌ی قضایی را برای دریافت آخرین نظر درباره‌ی آن - این آخرین نظر را بر اساس برداشت خودم از تفسیر شورای نگهبان و قید «متناسب با جمهوری اسلامی ایران» در همین اصل عرض می‌کنم - به رئیس قوه‌ی قضائیه می‌دهند. حالا که لایحه‌ی قضایی را خود رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه کرد، کار این لایحه به پایان رسیده و بنابراین، دیگر کسی نمی‌تواند روی آن حرفی بزند. اما اینکه چه کسی باید این لوایح را به مجلس بدهد، در قانون اساسی بیان نشده است. خب، وقتی در قانون اساسی این موضوع نیامده، دلیلی نداریم که بگوییم همه‌ی لوایح باید از طریق اداری هیئت دولت یا کس دیگر به مجلس فرستاده شود. حرف این آقای محترم عضو مجمع مشورتی - فقهی هم همین بود که دلیلی ندارد لایحه‌ی قضایی حتماً از طریق هیئت دولت به مجلس ارسال شود، بلکه این ما هستیم و یک لایحه‌ای که در خصوص آن از قانون اساسی استفاده کردیم که رئیس قوه‌ی قضائیه، نظر نهایی را در مورد آن می‌دهد. خب، اگر چنین لایحه‌ای به دست مجلس رسید، مجلس هم می‌تواند در آن تصرف کند؛ چون وضعیت مجلس غیر از وضعیت هیئت دولت است که بگوییم حق ایجاد تغییرات در لایحه‌ی قضایی را ندارد. لایحه‌ای که به مجلس می‌آید، مجلس آن را بررسی می‌کند. اینها حرف‌هایی بود که در جلسه‌ی مجمع مشورتی - فقهی گفته شد و من لازم دانستم قسمتی از آن را که در گزارش مجمع

درست بیان نشده است بیان کنم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این حرف، خلاف تفسیر شورای نگهبان است.

**آقای مؤمن** - نه، خلاف تفسیر شورای نگهبان نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چون ما در تفسیر خود گفته‌ایم دولت باید لایحه‌ی قضایی را به مجلس تقدیم کند. ذیل همین تفسیری که شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی کرده است، این مطلب آمده است که دولت باید این گونه لوایح را به مجلس تقدیم کند.

**آقای علیزاده** - نه، این مطلب در تفسیر شورای نگهبان نیامده است. تفسیر شورای نگهبان فقط گفته است: «لویح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد».

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، تفسیر شورای نگهبان گفته است باید به مجلس تقدیم شود.

**آقای مؤمن** - گفته است به مجلس تقدیم می‌گردد.

**آقای علیزاده** - نه، تفسیر شورای نگهبان کلمه‌ی «باید» را ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - هر طور که شورای نگهبان گفته است، تکلیف دولت همان است.

**آقای مؤمن** - بر فرض هم که کسانی از قانون اساسی این معنا را استفاده کنند که شرط رفتن لایحه به مجلس و بررسی آن توسط نمایندگان مجلس این است که در همه‌ی موارد، باید هیئت دولت آن لایحه را به مجلس بفرستد، ولی ما از قانون اساسی چنین چیزی استنباط نمی‌کنیم.

**آقای ابراهیمیان** - با عرض تسلیت به مناسبت فرارسیدن ایام محرم، اجازه می‌خواهم یادی کنم از مرحوم آقای حبیب‌الله عسگراولادی که پس از سال‌ها زحمت و تلاش و مبارزه در راه انقلاب و اسلام، دار فانی را وداع گفتند. استدعا می‌کنم جهت شادی روح ایشان فاتحه و صلواتی قرائت بفرمایید. برادر عزیزم جناب آقای دکتر ره‌پیک، با سخنانی که گفتند یک خط قرمز کشیدند، مثل مرحوم شیخ [انصاری] که می‌فرماید اصغر طلبه هم قائل به این قول نیستند چه رسد به اساطین و اعاضمشان. ما هم با سخن ایشان، یک کم ترسیدیم ولی حالا ما هم جزء همان اصغر طلبه سعی می‌کنیم یک قول مخالفی را تقویت کنیم.

در مورد تفسیر قانون اساسی واقعیت این است که ما در مورد روش‌های تفسیر قانون اساسی باید یک مقدار رویه‌ی شورای نگهبان در سال‌های گذشته را بررسی کنیم تا

خودمان به یک سری قواعد و اصول دست پیدا کنیم و یک سری چیزها را به عنوان قواعد مسلم تفسیری بپذیریم. واقعیت این است که اگر قرار باشد ما اصول قانون اساسی را به این شیوه‌ی خشک و مکانیکی تفسیر کنیم، هر یک سال در میان باید در هر مسئله‌ای به بن‌بست بخوریم تا سرانجام نوبت به بازنگری قانون اساسی برسد. قانون اساسی از آن قوانینی است که کمتر باید دست‌خوش تغییر بشود. بنابراین روش تفسیرش هم باید یک مقدار موسّع‌تر و با نگاه وسیع‌تری به اصول آن باشد و الاً اگر بخواهیم با تمرکز و توقف، فقط بر ظاهر الفاظ اکتفا کنیم و تفاسیر خود را ارائه بدهیم، خیلی به مشکل برمی‌خوریم و البته همه‌ی موارد را هم نمی‌شود به مرجع حل اختلاف قوا یا رهبری ارجاع داد. یک شیوه‌ای که در نگارش اصول قانون اساسی وجود دارد این است که قانون‌گذار خودش برای همه‌ی اصول قانون اساسی یک ارزش واحد قائل نشده است؛ مثلاً قانون‌گذار اصل (۴) قانون اساسی را به نوعی بر تمام اصول حکومت داده است. البته قانون‌گذار در جاهای دیگر قانون اساسی نگفته است که مثلاً یک اصلی بر اصول دیگر حاکم است ولی این سؤال مطرح است که آیا در مقام تفسیر هم، همه‌ی اصول قانون اساسی ارزش واحدی دارند؟ آیا همه‌ی این اصول ارزش یکسانی دارند؟ آیا جاهایی که قانون اساسی تشریفات را قائل است با جاهایی که مسائل مهمی را مطرح می‌کند که بقا و استمرار نظام به آن وابسته است، باید یک جور دید یا برخی از این اصول را باید برتری داد و بقیه را ولو اینکه ظواهر خاصی داشته باشند در سایه آن اصول مهم‌تر و حاکم تفسیر کرد؟ برادر عزیزم از قانون اساسی و اصول آن و همچنین از حقوق اداری استحضار دارند که خدمات عمومی؛ یعنی کار حکومت هرگز تعطیل‌بردار نیست و نباید تعطیل شود. همه‌ی احکام و قواعدی که وظایفی را متوجه رهبری، قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه، رئیس‌جمهور یا قوه‌ی قضائیه می‌کند، به بیان ما، شاید دارای نوعی عموم ازمانی<sup>(۱)</sup> است که طبق آن، این افراد در هر

۱. «عموم زمانی» یا «عموم ازمانی»، به عمومی گفته می‌شود که شمول حکم در آن به حسب زمان لحاظ شده است. بنابراین، در مواردی که زمان (محدود یا مستمر) ظرف برای ثبوت حکم بر موضوع باشد، عموم زمانی در نفس حکم لحاظ شده است؛ مثل اینکه مولا بگوید: «يجب الصدق فی الکلام ابداً» یعنی در تمامی افراد زمان، حکم وجوب صدق محقق است. مشکینی اردبیلی، علی اکبر، اصطلاحات الاصول و معظم أبحاثها، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹، صص ۱۷۴-۱۷۶.

لحظه‌ای باید بتوانند وظایف خودشان را انجام بدهند و این وظایف تعطیل بردار نیست. قانون اساسی که می‌گوید اگر رئیس‌جمهور فوت کرد یا استعفا داد<sup>(۱)</sup> یا اگر برای رهبری اتفاقی افتاد<sup>(۲)</sup> چه باید کرد و اصول مشابه این، همه نشان از این دارد که ارائه‌ی خدمات عمومی از جمله خدمات قضایی و انجام وظایف قوه‌ی قضائیه تعطیل بردار نیست. ما باید در تفسیر و استظهار از الفاظ، این نوع قواعد کلی را که در قانون اساسی و نظام حقوق اساسی و اداری خودمان به رسمیت شناخته شده است در نظر بگیریم و آلاً اگر همه چیز را در یک سطح ببینیم خیلی به مشکل برمی‌خوریم. واقع امر این است که من هم قائل به ترویج یک نوع فقه‌المقاصد در قانون اساسی نیستم، ولی اگر شارع در بحث کتاب و سنت در دسترس ما نیست که از او بپرسیم منظور و ملاک شما در مباحث مختلف چیست، اما حداقل شورای نگهبان به عنوان مفسر قانون اساسی همیشه در دسترس است. ما می‌توانیم از اعضای شورای نگهبان

۱. اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی: در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس‌جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس‌جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس‌جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس‌مجلس و رئیس‌قوه قضائیه و معاون اول رئیس‌جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز، رئیس‌جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس‌جمهور، معاون اول نداشته باشد، مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

۲. اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی: هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس‌جمهور، رئیس‌قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای (۱) و (۳) و (۵) و (۱۰) و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند (۶) اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگر موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

سؤال کنیم که مقصود شما از تفسیرهایی که از این قانون ارائه کرده‌اید، چیست؟ چرا وقتی ظاهر قانون اساسی می‌گوید رئیس‌جمهور باید قوانین مصوب را ابلاغ کند<sup>(۱)</sup> شما از این ظاهر دست برداشته و اجازه دادید رئیس مجلس قوانین را ابلاغ کند؟ خوب، نفرمایید که ما این مطالب را نمی‌دانیم و ظاهر امر این است که این یک قاعده‌ی خاص است. این تفسیر را شما فرموده‌اید. بنابراین ما در این جور موارد می‌توانیم - اگر نگوئیم قیاس - یک مناط و روشی در بیاوریم و از اصول قانون اساسی تفسیری عقلایی ارائه دهیم. ما نباید اجرای قانون و امور عمومی را تعطیل کنیم. با همین مبنا، اگر ما اجازه ندهیم فرد دیگری جای رئیس‌جمهور لوائح قضایی را به قوه‌ی مقننه ارسال کند، در امور قضایی وقفه ایجاد می‌شود و این امور تعطیل می‌شود؛ بنابراین نباید چنین تفسیری ارائه کنیم. ما باید با همین مبنا سراغ اصول قانون اساسی برویم. اصل (۷۴) قانون اساسی که [آقای دکتر ره‌پیک] فرمودند نص است، نص نیست، بلکه ظاهر است که در سایه‌ی اصول مهم‌تر قانون اساسی می‌توان از این ظاهر هم دست برداشت یا حداقل دایره‌اش را مقداری محدود کرد. شما بزرگواران قبلاً با تفاسیر خودتان از قانون اساسی رویه‌هایی را ایجاد کرده‌اید که الآن یا باید به آن پایبند باشید یا آنها را عوض کنید. یکی از این رویه‌ها این است که دولت حق تغییر لوائح قضایی را ندارد. بنابراین اگر هم کسی لفظ «تصویب» را درباره‌ی لوائح قضایی‌ای که به دولت می‌آید به کار ببرد، این یک نوع مشترک لفظی است؛ این «تصویب» با تصویب لوائحی که دولت خودش تنظیم می‌کند متفاوت است؛ چون شما درباره‌ی تصویب لوائح قضایی در دولت، [با تفسیری که از اصل (۱۵۸) ارائه کرده‌اید]، پذیرفته‌اید که فقط یک تشریفات است. ممکن است کسی این إن‌قلت را بیاورد که تصویب لوائح قضایی در دولت یک فایده دارد و آن، این است که دولت می‌تواند لوائح قضایی را در مجموعه‌ی نظام ببیند و آن را بررسی و تصویب کند یا اینکه برخی از دوستان به اصل (۷۵) قانون اساسی اشاره کردند و گفتند که چون اجرای لوائح قضایی ممکن است متضمن هزینه‌هایی باشد و خرج روی دست دولت بگذارد یا وحدت بودجه را به هم بزند [باید این لوائح، به تصویب دولت هم برسد]. عرض من این است که شما با تفسیر

خودتان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی، از این نکات صرف نظر کرده‌اید. وقتی شما ماده (۳) «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه» را تصویب کردید،<sup>(۱)</sup> پذیرفتید که دولت بدون تغییر در لایحه‌ی قضایی، هر نوع هزینه‌ای که در این لوایح وجود دارد را بپذیرد و آن را به مجلس بفرستد. پس اینکه ممکن است لایحه‌ی قضایی متضمن هزینه باشد اینجا قابل استناد نیست؛ چون شما قبلاً با تفسیرتان چنین امکانی را پذیرفته‌اید؛ اطلاق تفسیر شما از اصل (۱۵۸) قانون اساسی این اقتضا را دارد که هر نوع لایحه‌ی رئیس قوه قضائیه ولو اینکه خرج روی دست دولت بگذارد و منایش هم معلوم نباشد باید به مجلس ارسال شود. پس دوستان نفرمایند دولت در آن فرض، می‌تواند لوایح قضایی را به مجلس نفرستد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ممنوعیت دخالت دولت در تغییر لوایح قضایی به خاطر بُعد قضایی آن است.

**آقای ابراهیمیان -** الآن هم بحث ما درباره‌ی لوایح قضایی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** دولت بخش قضایی لوایح را نمی‌تواند عوض کند.

**آقای ابراهیمیان -** الآن هم بحث ما درباره‌ی لوایح قضایی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، دولت بُعد قضایی لوایح را نمی‌تواند عوض کند؛ یعنی اینکه مثلاً اگر قوه‌ی قضائیه در لایحه‌ای گفته باشد این جرم، مجازاتش این است، دولت نمی‌تواند مجازات آن جرم را عوض کند.

**آقای ابراهیمیان -** من عرضم این است که اگر قوه‌ی قضائیه بگوید ما الآن برای انجام کارهای خود نیاز به یک دادسرا یا دادگاه دیگر داریم، دولت راجع به این موضوع باید چه تصمیمی اتخاذ کند؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** بند سوم تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی، این اطلاق را ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** خب، ایجاد تشکیلات جدید هزینه‌بردار است.

۱. ماده (۳) «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه»، مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ مجلس شورای اسلامی: «دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می‌شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** عرض می‌کنم تفسیر شورای نگهبان اطلاق ندارد؛ یعنی عدم تغییر لایحه قضایی توسط دولت فقط از حیث قضایی بودن آن است.

**آقای ابراهیمیان -** ایجاد تشکیلات جدید مطرح شده در این مصوبه هم قضایی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، همان نظر حکمی بود.

**آقای ابراهیمیان -** آیا دولت می‌تواند سازمان قضایی را تغییر بدهد؟ نه.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای ابراهیمیان -** شما الآن در لایحه قضایی یک سازمان قضایی تعریف کرده‌اید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، اگر دولت برای ساخت سازمان قضایی بودجه نداشته باشد، می‌گوید بودجه ندارم.

**آقای ابراهیمیان -** دولت نمی‌تواند لوایح قضایی را تغییر بدهد. این نظر شما در شورای نگهبان است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نظر ما این نبوده است.

**آقای ابراهیمیان -** عرض بنده این است که شما پذیرفته‌اید که دولت نمی‌تواند لوایح قضایی را تغییر بدهد. خب، البته ممکن است شما بفرمایید بعضاً دولت لایحه قضایی را به مجلس نمی‌دهد. به این «نمی‌دهد» که نمی‌شود استناد کرد؛ چون این عدم ارسال لایحه قضایی به مجلس از سوی دولت، یک جور ممنوعیت تشریحی است؛ شما به دولت گفته‌اید که باید لوایح قضایی را به مجلس بدهی، بنابراین دولت نمی‌تواند این لوایح را به مجلس ندهد؛ چون اگر ندهد کارش خلاف است و به خلاف هم نمی‌شود به عنوان یک ضمانت اجرا استناد کرد. پس شما هم به نوعی پذیرفته‌اید که لوایح قضایی بدون ملاحظه مسئله‌ی وحدت بودجه و هزینه‌های اجرایی مرتب بر آن به مجلس برود. تنها راهی که دولت در برابر لوایح قضایی داشت این بود که در صورتی که خودش به لایحه قضایی تن داد و آن را به مجلس فرستاد، از طریق مجلس استفاده کند و ملاحظات خودش را به مجلس منعکس کند. الآن هم این امکان از دولت سلب نشده است. ما لایحه قضایی را دو تا سه ماه در اختیار دولت می‌گذاریم که دولت می‌تواند در این فرصت از آن قدرتی که قانون برای تصویب لایحه به آن داده است استفاده کند و بدون تغییر لایحه، پیشنهادهای اصلاحی خود را به آن ضمیمه کند و نظراتش را به مجلس بفرستد. اگر دولت لایحه قضایی

را به مجلس نفرستاد، جهت جلوگیری از تعطیل شدن خدمات عمومی و قضایی، همچنین حفظ استقلال قوهی قضائیه- که این هم خودش یکی از اصول اصلی و حاکم است- اقتضا این است که ما از ظاهری که اصل (۷۴) قانون اساسی طراحی کرده است دست برداریم و این طور بگوییم که ما زمینهی تصویب لایحهی قضایی را با این مهلت‌ها فراهم کردیم، ولی وقتی دولت در آن زمان‌های معین، لایحه را تصویب نکرد، برای اینکه به اصول مربوط به وظایف قوهی قضائیه عمل بشود، قوهی قضائیه خودش این لایحه را به مجلس تقدیم کند.

**آقای رهپیک -** یعنی اگر مثلاً قوهی قضائیه چهار تا لایحه ارائه داد که نصف بودجهی کشور را صرف می‌کند، دولت ملزم است آن را قبول کند؟!

**آقای ابراهیمیان -** دولت می‌تواند نظرش را بدهد. مصداق بارز لایحهی قضایی، لوایح مربوط به سازمان‌ها و تشکیلات قضایی است و بالاخره هر جا سازمان یا تشکیلاتی ایجاد شود، هزینه‌هایی هم به همراه دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** تقدیم لایحه به مجلس، جنبه‌ی اداری کار است.

**آقای ابراهیمیان -** وقتی شما فرمودید که لوایح قضایی که مربوط به سازمان‌ها و تشکیلات قضایی هم هست باید بدون تغییر توسط دولت به مجلس ارائه شود، پس این مجلس است که مسئله‌ی تناسب پیشنهادهای قضایی با مجموعه‌ی نظام قانون‌گذاری کشور را بررسی و ارزیابی می‌کند.

**آقای سلیمی -** من می‌خواهم این را عرض کنم که ما اولاً نباید قراردایی کلی بگذاریم و بعداً بیاییم ببینیم با آنها باید چه کار کنیم. ما اول این مطلب را که لایحه باید فقط از ناحیهی دولت و طرح از ناحیهی نمایندگان به مجلس تقدیم شود را یک وحی مُنزَل تلقی کردیم و می‌گوییم راه دیگری هم برای این کار وجود ندارد، بعد حالا می‌آییم در مواردی مثل لوایح قضایی گیر می‌کنیم. من یک بار دیگر تفسیر شورای نگهبان را می‌خوانم و آن را توضیح می‌دهم. این تفسیر می‌گوید: «لویح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد.» آیا این تفسیر می‌گوید دولت باید لایحهی قضایی را به مجلس بدهد؟ این تفسیر که این را نمی‌گوید. همین تفسیری که همکاران محترم از اصل (۱۵۸) قانون اساسی ارائه کرده‌اند الآن در اختیار ماست، ولی این تفسیر این حرف را نمی‌گوید. حتی اگر تفسیر



شورای نگهبان هم این حرف را گفته بود، باز هم نمی‌شد این بحث‌هایی که استاد بزرگوارمان حضرت آیت‌الله مؤمن و همین طور جناب آقای ابراهیمیان فرمودند و همچنین بحث‌هایی که در جلسه‌ی قبل مطرح شد را انجام داد. نه، این تفسیر این طور می‌گوید که اولاً لویحی که رئیس قوه‌ی قضائیه تنظیم و تدوین کرده است، دولت حق دست‌کاری آن را ندارد مگر با نظر خود رئیس قوه‌ی قضائیه که این هم باز می‌شود نظر خود رئیس قوه‌ی قضائیه. در واقع دولت بدون نظر رئیس قوه‌ی قضائیه نمی‌تواند هیچ تغییری در لویح قضایی بدهد. اگر دولت باید با نظر رئیس قوه‌ی قضائیه لویح قضایی را تغییر بدهد، در واقع رئیس قوه‌ی قضائیه، خودش دارد آن را تغییر می‌دهد و دولت حق تغییر و حق ورود به این لویح را ندارد. پس با این وضع، تصویبی که در اصل (۷۴) قانون اساسی مطرح است کلاً متفی می‌شود. صراحت تفسیر شورای نگهبان در این است که اولاً لویحی که از طرف رئیس قوه‌ی قضائیه به دولت می‌آید، دولت حق هیچ‌گونه کم و زیاد کردن آن لایحه را ندارد؛ دوماً می‌گوید که لویح قضایی که توسط رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. این تفسیر سه جمله را پشت سر هم آورده است. تفسیر شورای نگهبان نمی‌گوید لویحی که رئیس قوه‌ی قضائیه تنظیم یا تدوین می‌کند، دولت باید به مجلس بدهد. منظور من این است که این جمله این مطلب را نمی‌رساند.

**آقای ره‌پیک -** حاج آقای [مؤمن] فرمودند که این «تقدیم شدن» با «تقدیم کردن» فرق می‌کند.

**آقای سلیمی -** عبارت تفسیر شورای نگهبان می‌گوید: «لویح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد». بنابراین اینکه شما می‌گویید در تفسیر شورای نگهبان آمده است که لویح قضایی باید به دولت فرستاده شود، نخیر، در این تفسیر چنین چیزی نیامده است. این تفسیر می‌گوید، اگر قوه‌ی قضائیه لویح قضایی را که تنظیم و تدوین کرده است به دولت داد، می‌گوید این لویح به مجلس تقدیم می‌گردد؛ توجه کنید که باز نمی‌گوید «دولت» آن را به مجلس تقدیم می‌کند، می‌گوید این لویح به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. همین طور که آقای مؤمن هم فرمودند آن آقای عضو مجمع مشورتی - فقهی هم که استظهار می‌کرده، نگفته است لایحه‌ی قضایی را به دولت بدهد، بلکه می‌گوید لایحه به مجلس تقدیم می‌گردد. حالا شما بر فرض بگویید آنچه که در جوی می‌رود

آب است! یعنی «دولت» باید لوایح قضایی را به مجلس بدهد، در این صورت هم کار دولت در اینجا فقط تقدیم کردن است و غیر از این چیز دیگری برای او نمی ماند. در مباحث حقوقی هم همین گفته می شود. عده ای می گویند شما چطور رأیی خلاف رأی تفسیری شورای نگهبان می دهید؟ شورای نگهبان گفته است که هرچه رئیس قوه قضائیه تدوین و تنظیم کرد باید به هیئت دولت برود. ما می گوئیم نه، تفسیر شورای نگهبان این را نمی گوید؛ این تفسیر نمی گوید لایحه قضایی باید به دولت برود، بلکه می گوید اگر لایحه قضایی به هیئت دولت رفت، این [دولت] راهش را انجام می دهد. بنابراین در تفسیر شورای نگهبان هم این برداشت نشده است که لوایح قضایی که رئیس قوه قضائیه تنظیم کرده است باید حتماً به دولت برود. جناب آقای هاشمی شاهرودی برداشتشان این بود. ایشان آن موقعی هم که این استفسار را از شورای نگهبان درخواست کردند، آقایان اعضای شورا این تفسیر را ارائه دادند. به نظر برداشت ایشان این بود که شورای نگهبان نظرش در این تفسیر این است که لوایح قضایی باید حتماً به دولت برود، اما ما از این نوشته ای که در اختیارمان هست و از تفسیر شورای نگهبان این استفاده را نمی کنیم. همان طوری که حاج آقای مؤمن فرمودند تنها کار دولت - اگر بگوئیم دولت بر اساس ذیل اصل (۷۴) قانون اساسی اختیاری در این زمینه دارد - تقدیم لایحه تصویب شده قوه قضائیه به مجلس است. «تقدیم» در اینجا به معنای «تصویب شده» است؛ چون هیئت دولتی که نمی تواند یک «واو» نسبت به یک لایحه ای اضافه و کم بکند، درباره ای او نمی توانیم بگوئیم آن لایحه را تصویب کرده است. تصویب خودش یک سری مسائل و شرایطی دارد. ما اصلاً می گوئیم هیئت دولت چه کاره است که لایحه قضایی تصویب کند؟ امور، باید در مجلس به تصویب برسد. هیئت دولت فقط تقدیم کننده و تدوین کننده است. اگر شما می خواهید در مورد مفاد اصل (۷۴) قانون اساسی هم خیلی پافشاری کنید، ما می گوئیم در آنجا معنای تصویب غیر از آن تصویبی است که درباره ی مصوبات مجلس به کار می بریم. معنای تصویب در این اصل، همین تدوین و تهیه ای است که در اصل (۱۵۸) قانون اساسی آمده و می گوید: «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی». پس کلمه «تصویب» در اصل (۷۴) معادل همان «تهیه» در اصل (۱۵۸) است و گرنه کلمه تصویب مربوط به مصوبات مجلس شورای اسلامی است که لوایح

باید برای تصویب به آنجا برود. بنابراین ما از این تفسیر شورای نگهبان این استفاده را می‌کنیم که اگر لایحه‌ی قضایی از طرف قوه‌ی قضائیه به دولت ارسال شد، دولت مکلف است آن را حداکثر ظرف مدت سه ماه به مجلس تقدیم کند. البته ما در اینجا هم باید یک مقداری هزینه کنیم؛ چون شورای نگهبان در این تفسیر، عین اصل قانون اساسی را آورده است. شورای نگهبان در تفسیر خود گفته است: «تقدیم می‌گردد» و نگفته است چه کسی باید لایحه‌ی قضایی را به مجلس تقدیم کند. ما اگر بخواهیم خیلی روی تفسیر شورای نگهبان و قانون در مجموع پافشاری کنیم، باید بگوییم دولت باید لوایح قضایی را به مجلس بدهد و اگر چنانچه به وظیفه‌ی تکلیفی خودش در این زمینه عمل نکرد، این کار او در حکم وضعی تأثیر دارد؛ یعنی حکم وضعی را تغییر می‌دهد. خوب، در این حالت دولت تکلیفش را انجام نداده است، بنابراین این لایحه‌ی قضایی از هر طریقی که به مجلس برود و مجلس آن را تصویب کند، مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی می‌شود و اگر شورای نگهبان هم آن را تأیید کند به قانون تبدیل می‌شود، مثل سایر مصوباتی که از مجلس آمده و شورای نگهبان آنها را تأیید کرده است و بنابراین در همه جای کشور قابلیت اجرایی پیدا می‌کند.

آقایان نوعاً همین را می‌فرمایند که عدم انجام حکم تکلیفی نمی‌تواند اثر وضعی داشته باشد و وضعیت موضوع را دگرگون کند. حالا در اینجا هم اینکه دولت به تکلیفش عمل نکرده است، وضعیت [کشور] را به هم نمی‌زند. بر همین مبنا به نظر می‌رسد آنچه در این مصوبه آمده است، مغایرتی با قانون اساسی ندارد که بعد از رأی‌گیری از همکاران محترم در جلسه‌ی قبل، دوباره بخواهد به رأی‌گیری گذاشته شود. خوب، ما در جلسه‌ی قبل در این باره رأی‌گیری کردیم و اشکال همکاران هم رأی نداشت، اما برخی آقایان دوباره بعد از آن رأی‌گیری می‌گویند چون همه‌ی اعضای شورای نگهبان در جلسه‌ی رأی‌گیری حضور نداشته‌اند، دوباره در این باره رأی‌گیری کنیم. یک چیزی که تمام شد دیگر اجازه بدهید تمام بشود و برود. به نظرم می‌رسد اینکه ما دوباره برای اینکه نظرمان رأی بیاورد اصرار کنیم، کار زائدی است که داریم انجام می‌دهیم.

**آقای جنتی** - این نکته هم در ذهنتان باشد که نظر نمایندگان که این طرح را آماده کرده‌اند هم این بوده که هیئت دولت هم باید لوایح قضایی را «تصویب» کند. در ماده واحده‌ی این مصوبه نوشته شده است: «در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند

نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید». این یعنی استنباط مجلس شورای اسلامی هم این بوده است که دولت باید نسبت به تصویب و ارسال لوایح قضایی به مجلس اقدام نماید.

**آقای سلیمی** - اما نظر مجلس برای ما حجت نیست.

**آقای شبزنده‌دار** - این استدلال آقای سلیمی که می‌فرمایند چون در بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی گفته شده است: «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی»، می‌توانیم از این عبارت استفاده کنیم که «تهیه» همان «تصویب» است و نظر نهایی هم همین است که قوه قضائیه می‌گوید؛ من در این زمینه دو وجه به نظر می‌آید که این نظر ایشان نمی‌تواند تمام باشد: یکی اینکه حالا اگر در این اصل تصریح می‌شد که رئیس قوه قضائیه باید لوایحی را متناسب با جمهوری اسلامی «پیشنهاد» کند، این عبارت غلط بود؟ یعنی آیا کلمه «متناسب» حتماً با امر نهایی ملازمه دارد که اگر کلمه «پیشنهاد» به جای کلمه «تهیه» می‌آمد، این عبارت از این نظر که می‌خواست مقید به قید «متناسب با جمهوری اسلامی» بشود، غلط باشد؟ خب، مسلم است که لوایح قضایی قهراً باید متناسب باشد؛ یعنی باید قضای اسلام در آنها مراعات شود حتی در مقام پیشنهاد ولو اینکه نهایی هم نباشد.

**آقای مؤمن** - شما اجتهاد قرینه بر این مطلب می‌کنید.

**آقای شبزنده‌دار** - نه، می‌خواهم بگویم اینکه بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی می‌گوید «متناسب»؛ این کلمه، هم با «پیشنهاد» جور درمی‌آید و هم بدون این کلمه.

**آقای مؤمن** - نه، نبودش این ظهور را دارد.

**آقای شبزنده‌دار** - این عبارت متعین نمی‌کند که لوایح قضایی باید به نحو تصویب و امر نهایی باشد.

**آقای مؤمن** - نبودش این مفهوم را می‌رساند.

**آقای شبزنده‌دار** - اولاً بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی داللتی بر نهایی بودن لوایح قضایی مصوب در قوه قضائیه ندارد؛ ثانیاً این نظر با این دلیل نقض می‌شود که اگر این لوایح تمام است و دولت نباید در آنها دخالت کند، پس چطور است که همین لایحه باید در صحن علنی مجلس که گروهی حضور دارند که اصلاً از قضای اسلام سر در نمی‌آورند، تصویب بشود؟ خب، هیئت وزیران هم مثل مجلس است. هیئت

دولت هم مانند مجلس کمیسیون‌هایی دارد که به آنها اعتماد داشته و لوایح قضایی را به آنها می‌دهد و آنها نظر نهایی را در مورد این لوایح می‌دهند. مجلس هم کمیسیون‌های مانند کمیسیون قضایی دارد که نمایندگان در آنجا هستند که کارشان این است که بر روی لوایح قضایی کار کنند و بعد از آن نمایندگان مجلس در صحن علنی مجلس آنها را تصویب می‌کنند. بنابراین مجرد اینکه همه‌ی اعضای هیئت دولت عالم به قضا نیستند، بر اینکه آنها نمی‌توانند در مورد لوایح قضایی نظر بدهند، قرینه نمی‌شود؛ چون این استدلال به خود مجلس و صحن علنی مجلس، منقوض است. بنابراین ما نمی‌توانیم از این قید استفاده کنیم که حتماً آنجا که در بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی می‌گوید «تهیه»، منظور قانون‌گذار «تصویب» بوده است، تا بعداً آن را نسبت به اصل (۷۴) قانون اساسی مخصص قرار بدهیم. نه، اصل (۷۴) قانون اساسی می‌گوید ما برای ارائه‌ی پیشنهاد به مجلس دو راه بیشتر نداریم که یا لایحه است و یا طرح. روال لایحه دادن به مجلس این طور است، طرح هم روالش این گونه است.

**آقای عزیزاده -** کجای اصل (۷۴) قانون اساسی گفته است دو راه بیشتر نداریم؟

**آقای شبزنده‌دار -** ما این موضوع را از حصری که این اصل کرده است، می‌فهمیم.

**آقای عزیزاده -** بهتر است اصل (۷۵) قانون اساسی را بفرمایید.

**آقای شبزنده‌دار -** نه، اصل (۷۴) قانون اساسی.

**آقای عزیزاده -** نه، این جور نیست.

**آقای شبزنده‌دار -** این را از حصری که کرده است، می‌فهمیم.

**آقای عزیزاده -** بله، این هم لایحه است.

**آقای شبزنده‌دار -** نه، ما غیر از طرح و لایحه که مورد سومی نداریم. اصل (۷۴) قانون اساسی همین را می‌گوید: «لوايح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.» غیر از اینها مورد سومی هم هست؟ دیگر امر سومی که وجود ندارد. هر چه هست یا طرح است یا لایحه. خب، لوایح را که می‌گوید این طوری است؛ یعنی لایحه بما هو لایحه همین است که هیئت وزیران تصویب می‌کند و به مجلس می‌فرستد.

**آقای مؤمن -** نه.

**آقای شبزنده‌دار -** ارائه‌ی لوایح به دولت مقوم لایحه شدن است. بنابراین اینکه اصل

(۱۵۸) قانون اساسی به رئیس قوهی قضائیه می‌گوید لوائح قضایی را شما تهیه کنید، معنایش این است که او باید طبق روندی که وجود دارد لوائح قضایی را تهیه کند؛ مثلاً من زمانی که می‌خواهم پیشنهادی را تهیه کنم باید طبق یک روندی باشد. روند تهیهی لایحهی قضایی هم این طور است که از طرف رئیس قوهی قضائیه باید به هیئت دولت پیشنهاد بشود و دولت هم آن را تصویب کند. این می‌شود لایحهی قضایی.

**آقای مؤمن -** یعنی رئیس قوهی قضائیه لوائح قضایی را تهیه نکند؟

**آقای شب‌زنده‌دار -** بله، تهیه کردن رئیس قوهی قضائیه چیست؟ تهیه کردن همین است که ایشان یک لایحه بنویسد و در نهایت هیئت دولت هم آن را تصویب کند. اسم این می‌شود لایحه.

**آقای مؤمن -** خب، [در این صورت] دیگران تهیه کنند!

**آقای شب‌زنده‌دار -** خب، روند تهیهی لایحهی قضایی این طور است که رئیس قوهی قضائیه آن را تهیه کرده و برای هیئت دولت بفرستد، اما اینکه جناب آقای ابراهیمیان می‌فرمایند اصول قانون اساسی در ارزش‌گذاری با هم اختلاف دارند هم درست است، اما به درد اینجا نمی‌خورد. این موضوع به درد موارد تراحم یا موارد مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌خورد که مثلاً اگر یک چیزی مخالف با یک اصل از قانون اساسی شد، باید ببینیم آن اصل چه اصلی است و چه می‌گوید. یک وقت اصل قانون اساسی یک جوری است که اصلاً و به هیچ وجه نباید ولو با امور دیگر بتوان از آن دست برداشت. این موضوع در آنجا اثر دارد، اما ما در حالت عادی و مثلاً در اینجا نمی‌توانیم بگوییم که اصلی از قانون اساسی ارزشش بیشتر از اصل دیگر است و بخواهیم اصول این قانون را سبک و سنگین کنیم. وقتی خود قانون اساسی نگفته است فلان اصل ارزشش بیشتر است، ما نمی‌توانیم اصلی را بر دیگر اصول قانون اساسی حاکم قرار بدهیم. اینها دیگر امور پشت پرده می‌شود. به نظر من مطلبی که در مصوبه‌ی فعلی مجلس تصویب شده است، همان طوری که نظر اکثریت اعضای مجمع مشورتی - فقهی قم هم همین طور بود، خلاف قانون اساسی است.

**آقای مدرسی یزدی -** به نظر می‌رسد بیشتر آقایانی که موافق این مصوبه هستند چنین فرض می‌کنند که بند دوم اصل (۱۵۸) قانون اساسی منحصص صدر اصل (۷۴) قانون اساسی است؛ این هم که اصل (۷۴) قانون اساسی گفته است لوائح باید به تصویب

هیئت وزیران برسد یا در بند دوم اصل (۱۵۸) قانون اساسی که درباره‌ی تهیه‌ی لایحه‌ی قضایی توسط رئیس قوه‌ی قضائیه است، احتیاج به قرائن ندارد و ی تصویب یا حتی تهیه‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه در مورد این لوایح کافی است. ولی به نظر می‌رسد که نسبت این دو اصل چنین نیست که یکی مخصّص دیگری باشد، بلکه اصل (۷۴) قانون اساسی کبرای یک قضیه را دارد بیان می‌کند و اصل (۱۵۸) قانون اساسی هم صغرای آن را می‌گوید؛ لذا این اصل نمی‌تواند مخصّص آن یکی باشد. اصل (۷۴) قانون اساسی در مقام بیان این مطلب است که لوایح باید تصویب هیئت وزیران را هم داشته باشد. این کبرای قضیه است. بند دوم اصل (۱۵۸) قانون اساسی هم می‌گوید آنچه رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه می‌کند طرح نیست، بلکه لایحه است. خب، این دو اصل با هم چه تنافی دارند که یکی مخصّص دیگری باشد؟ بند دوم اصل (۱۵۸) دارد مصداقی از مصادیق کبرایی که در اصل (۷۴) است را بیان می‌کند، چنانکه اصل (۱۰۲) قانون اساسی هم یک مصداق دیگر را بیان می‌کند. اصل (۱۰۲) می‌گوید آنچه شورای عالی استان‌ها تهیه کند طرح است، متنها این طرح‌ها را باید مجلس تصویب کند، هرچند این شورا می‌تواند طرح‌های خود را از طریق دولت هم به مجلس بفرستد. به هر حال اصل (۱۰۲) نگفته است دولت باید طرح‌های شورای عالی استان‌ها را تصویب کند. این خیلی نکته‌ی مهمی است که اصل (۱۰۲) نگفته است دولت این طرح‌ها را تصویب کند. اصل (۱۰۲) قانون اساسی گفته است: «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.» بنابراین در اصل (۷۴) قانون اساسی جهت اصلی درباره‌ی این مطلب است که در صدر آن آمده و می‌گوید آنچه که لایحه باشد باید به تصویب هیئت وزیران برسد. اصل (۱۵۸) قانون اساسی هم بیان می‌کند آنچه را رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه می‌کند لایحه است نه طرح، به خلاف آنچه شورای عالی استان‌ها تهیه می‌کند که طرح است و لایحه نیست. اما اصل (۱۵۸) کبرای موجود در اصل (۷۴) را که لوایح باید به تصویب هیئت وزیران برسد نفی نمی‌کند و اصلاً در صدد بیان این مطلب نیست، کما اینکه آنچه را شورای عالی استان‌ها تهیه می‌کند طرح است و باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. بنابراین این دو اصل اصلاً در ردیف هم نیستند که یکدیگر را تخصیص بزنند و استثنای هم باشند. کبرای قضیه به جای خودش محفوظ

است، صغرای آن هم به جای خودش. پس بنابراین در اینجا اصلاً مسئله‌ای نیست. اما اینکه آقای دکتر ابراهیمیان فرمودند باید تفاسیر قانون اساسی یک مقدار نرم و با کشش باشد و الا باید قانون اساسی را زود به زود بازنگری کنیم، واقعاً اگر کار این طور باشد باید فاتحه‌ی قانون اساسی را خواند؛ چون این کشش‌دار بودن دیگر در هیچ جا نمی‌ایستد. تفاسیر قانون اساسی باید تا کجا کشش‌دار باشد؟ هر چه را ما تشخیص بدهیم ممکن است به یک مشکلی برخورد کند؛ بالاخره یک چیزی‌اش مهم است و یک چیزی‌اش غیر مهم است. ما چطور برخی اصول قانون اساسی را مقدم بگذاریم بدون اینکه برای این کار مجوزی از خود قانون اساسی داشته باشیم. این طوری دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. یکی از دوستان که قبل از این دوره در شورای نگهبان بودند حرفی می‌زدند که واقعاً این حرفشان هنوز از ذهن من خارج نشده است. ایشان می‌گفتند ما دنبال مصلحتیم، ما مصالح را نگاه می‌کنیم، ما مصلحتی هستیم؛ هر جا مصلحت اقتضایی کرد ما هم همان طور تصمیم می‌گیریم. البته ایشان چنین نمی‌فرمایند، ولی آن بزرگوار چنین می‌گفت که ما مصلحتی هستیم و هر جا مصلحت چنین اقتضایی کرد، ما هم همان طور نظر می‌دهیم. این روش درستی نیست. مصلحتی که بتواند واقعاً قانون اساسی را نقض کند فقط در اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام است و واقعاً قانون اساسی ما هم به بن‌بست نمی‌خورد. به هر حال حتی اگر در این مصوبه هم باید مصلحتی دیده شود، لازم است که مجلس به مصوبه‌ی خود اصرار کند و مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود. بعد مجمع تشخیص مصلحت نظام یک تبصره‌ای بگذارد، بگوید اگر رئیس قوه‌ی قضائیه لوایح قضایی را برای دولت فرستاد و دولت هم آن را به مجلس نفرستاد، ولو اینکه لایحه‌ی قضایی برای دولت بار مالی داشته باشد، هیچ مشکلی ندارد که رئیس قوه‌ی قضائیه خودش لایحه را به مجلس نفرستد. اصلاً چرا ما این قدر گیر این موضوع هستیم که ممکن است به مشکل برخورد کنیم و کار مملکت لنگ بماند؟ قانون اساسی خودش راهکار حل مشکلات مملکت را بیان کرده است. من یک خواهشی هم دارم که بر فرض اینکه این مصوبه در شورای نگهبان رأی آورد، شما آن را مقید بکنید به اینکه دولت لوایح قضایی را در خصوص امور قضایی مستقیماً به مجلس ارسال کند و الا اگر این لوایح در غیر این امور باشد و برای دولت بار مالی داشته باشد، واقعاً به نظر می‌آید که این حکم، مشکل ایجاد می‌کند. اگر شما آن را مقید



نکنید، این لوایح را همین طوری به عنوان لایحه برای ما می‌فرستند، ما هم دیگر نمی‌توانیم به آنها ایراد بگیریم. مجلس هم همان طور که می‌بینیم معمولاً لوایح را بررسی دقیقی نمی‌کند؛ خیلی از مصوبات برای دولت بار مالی دارد ولی مجلس آنها را همین طوری به شورای نگهبان می‌فرستد و راه تأمین مناسب بار مالی آن را هم ذکر نمی‌کند. پس حداقل اگر این مصوبه رأی بیاورد، قطعاً باید این طور تقیید بشود که دولت لوایح قضایی را که فقط در خصوص امور قضایی است باید مستقیماً به مجلس ارسال کند، ولی اگر این لوایح در غیر این امور باشد دولت می‌تواند آنها را تغییر دهد؛ همین طوری که در تفسیر شورای نگهبان هم هست مانعی ندارد که رئیس قوه قضائیه در خصوص امور قضایی محض، لوایح قضایی را مستقیماً به مجلس بفرستد.

**آقای علیزاده -** اولاً در هیچ جایی ... [قطع صوت به مدت ۴ دقیقه] مگر چه می‌شود اگر لوایح قضایی به هیئت دولت برود و هیئت دولت هم [بدون دخل و تصرف در لایحه] نظرش را درباره‌ی آن بگوید و مثلاً بگوید این لایحه این مقدار بار مالی دارد و بنابراین قابل اجرا نیست و بعد این نظر خودش را همراه آن لایحه به مجلس بفرستد؟ ثانیاً در خصوص اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ما این اصل را این طور تفسیر کردیم که دولت نمی‌تواند لوایح قضایی را تغییر بدهد؛ بنابراین این لوایح همین طور که هست به مجلس تقدیم می‌شود. ما عین عبارت اصل (۷۴) قانون اساسی را در این تفسیر آوردیم: «به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد». ما در آنجا نگفته‌ایم که لایحه‌ی قضایی بار مالی دارد یا ندارد. مگر ما در تفسیرمان این حرف را گفته‌ایم؟ ما فقط گفتیم لایحه‌ی قضایی به مجلس داده می‌شود. آقای دکتر [ره‌پیک] می‌فرمایند اگر هیئت دولت بخواهد چهار تا لایحه‌ی قضایی تصویب کند، باید همه‌ی بودجه‌ی مملکت را به رئیس قوه قضائیه بدهد! در مجلس شورای اسلامی هم دویست و نود نماینده‌ی عاقل هستند و این طور نیست که لوایح و طرح‌ها بدون دقت نظر تصویب شوند. پس این طور نیست که اگر قوه قضائیه چهار تا لایحه به مجلس بدهد بودجه تمام شود، ضمن اینکه این فرض در مورد دولت هم هست که بیاید چهار تا لایحه به مجلس بدهد و بقیه‌ی جاها و موضوعات را تعطیل کند.

**آقای ره‌پیک -** دولت مسئول است.

**آقای علیزاده -** دولت مسئول بودجه است. همه‌ی قوا مسئول هستند. اگر دولت هم

نظرش را درباره‌ی لوایح قضایی بدهد، نهایتاً چه می‌شود؟ لوایح قوه‌ی قضائیه چقدر بار مالی دارد؟ بنده عرض کردم ما در تفسیر خودمان بیان کرده‌ایم که لایحه‌ی قضایی چیست. در بند (۱) تفسیر ما فرق لوایح قضایی و غیر قضایی آمده است.<sup>(۱)</sup> در بند (۳) هم که ما گفتیم آنجایی که لایحه قضایی است، رئیس قوه‌ی قضائیه آن را به دولت می‌دهد و دولت هم اگر خواست در آن تغییر بدهد، باید در این مورد نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را جلب کند. من بحث مصلحت را در اینجا نمی‌کنم، من دارم مفاد تفسیر شورای نگهبان را می‌گویم که این مفاد چیست یا از این تفسیر چه چیزی فهمیده می‌شود؟ برخی آقایان خیال می‌کنند ما می‌گوییم اینها مصلحت است. ما می‌گوییم اگر رئیس قوه‌ی قضائیه لایحه‌ی قضایی را تهیه کرد، دولت نمی‌تواند در آن تغییر بدهد مگر با جلب نظر او، ولی دولت می‌تواند این لایحه را به مجلس نفرستد. خوب، اینکه دولت می‌تواند لوایح قضایی را به مجلس نفرستد را از کجا آوردیم؟ ما در تفسیرمان گفته‌ایم: «و به مجلس تقدیم می‌شود»؛ یعنی عین عبارت اصل (۷۴) قانون اساسی را آورده‌ایم. من یک بار دیگر تفسیر شورای نگهبان را بخوانم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** شما در بالا گفتید دولت اصلاً موظف است لوایح قضایی را به مجلس بفرستد.

**آقای عزیززاده -** نه، «لویح قضایی که رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.» این تفسیر ماست. در این تفسیر آمده است که دولت لوایح قضایی را به مجلس می‌فرستد. در این تفسیر صحبت تصویب هم نیست. تصویب لوایح قضایی در دولت معنا ندارد؛ وقتی با توجه به تفسیر ما هیئت دولت نسبت به ارسال لوایح قضایی به مجلس اجبار دارد، «تصویب» معنا ندارد. ما باید همین را بگوییم؛ در صورتی که دولت در مدت مشخص شده نسبت به ارسال لایحه‌ی قضایی به مجلس اقدام ننماید و سه ماه دیگر هم از

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان درباره‌ی اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی: «۱- فرق لوایح قضایی و غیر قضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به ویژه اصول (۱۵۶) و (۱۵۷) و (۱۵۸) و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.»

مهلت قانونی آن؛ یعنی شش ماه بگذرد، رئیس قوه قضائیه می‌بایستی خودش لایحه قضایی را توسط رابطی که دارد (وزیر دادگستری) به مجلس بفرستد.

**آقای رهیک -** من می‌خواهم یکی دو نکته نسبت به فرمایش حضرت آیت‌الله مؤمن عرض کنم. نکته‌ی اول درباره‌ی اصل (۱۰۲) قانون اساسی است که به آن اشاره کردیم. عرض من این است که اگر قرار است غیر از آن قاعده‌ی کلی اصل (۷۴) قانون اساسی، در مورد تصویب لوایح چیز دیگری گفته بشود باید در قانون اساسی به آن تصریح شده باشد. اصل (۱۰۲) قانون اساسی دقیقاً گفته است که: «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.» حالا تکلیف ارسال لوایح قضایی چیست؟ این لوایح را یا باید این طوری ارسال کنند یا آن طوری ارسال کنند. اقتضای متون قانون اساسی، هم دقت در نگارش است و هم دقت در تفسیر آنها است. اگر آن آقای محترم دقت می‌کند و می‌گوید «تقدیم کردن» با «تقدیم شدن» فرق می‌کند و اگر دولت لایحه‌ای را تصویب کرده است، یک کس دیگری هم می‌تواند از راه برسد و آن را به مجلس بفرستد، باید به این قرینه‌ی واضح هم دقت کند که تهیه با تصویب فرق دارد. چرا باید این قدر دایره‌ی تهیه را باز کنیم که - هرچند با وجود تفسیر شورای نگهبان - شامل تصویب هم بشود. بنابراین اصل (۱۰۲) قانون اساسی که اشاره کردیم در واقع ناقض آن حرف است که تنها طریق ارائه‌ی لوایح به مجلس، دولت است. اصل (۱۰۲) قانون اساسی دارد می‌گوید اگر طریق دیگری غیر از قاعده‌ی کلی که در اصل (۷۴) درباره‌ی ارسال طرح‌ها و لوایح به مجلس آمده است تعیین بشود، استثنا می‌خواهد و باید در قانون اساسی به آن تصریح شود. به همین دلیل است که در اصل (۱۰۲) به این استثنا تصریح شده است. نکته‌ی دوم هم این است - همان طور که [آیت‌الله شب‌زنده‌دار] فرمودند- قید «متناسب با جمهوری اسلامی» واقعاً قیدی توضیحی برای اینکه «تهیه» به «تصویب» تبدیل بشود نیست. هر لایحه‌ای باید متناسب با جمهوری اسلامی باشد. لایحه‌ای که دولت برای کشاورزی تهیه می‌کند هم باید متناسب با جمهوری اسلامی باشد، لایحه‌ای که دولت برای امور پزشکی تهیه می‌کند هم باید متناسب با جمهوری اسلامی باشد. اصلاً فرض بفرمایید قانون‌گذار این قید را در اصل (۱۵۸) نمی‌گفت؛ باز هم این در تقدیر بود که لوایح قضایی حتماً باید متناسب با جمهوری اسلامی باشد.

**آقای علیزاده -** قانون‌گذار آنچه را که در اصل (۱۵۸) گفته در اصل (۱۰۲) نگفته

است. فرق این دو اصل همین است که قید «متناسب با جمهوری اسلامی» فقط در اصل (۱۵۸) گفته شده است. دلیل این امر چیست؟ شما این سؤال را جواب بدهید. این را بفرمایید، من می‌خواهم جوابش را بگویند.

**آقای رهیک -** قید «متناسب با جمهوری اسلامی»؛ یعنی هم تهیه‌ی لایحه باید متناسب با جمهوری اسلامی باشد و هم می‌توان گفت موارد دیگری که به لایحه مربوط می‌شود هم باید این تناسب را داشته باشد. این قید واقعاً قیدی نیست که بشود از آن فهمید که معنی «تهیه» را این قدر موسع کند. شما مثلاً همیشه در مصوبات مجلس، درباره‌ی آیین‌نامه‌ها [دقت می‌کنید و] می‌گویید [باید ببینیم] تهیه آن آیین‌نامه بر عهده‌ی چه کسی قرار داده شده است؟ تصویب آن آیین‌نامه بر عهده‌ی چه کسی گذاشته شده است؟ چه کسی این طرح را تهیه می‌کند؟ چه کسی این طرح را تصویب می‌کند؟

**آقای ابراهیمیان -** معلوم است [تهیه با تصویب] کاملاً متفاوت است.

**آقای رهیک -** خوب بله، اصل (۷۴) قانون اساسی که بحث تصویب هیئت وزیران را مطرح می‌کند، منظورش تصویب لایحه است که با تصویب قانون فرق می‌کند. تصویب قانون با مجلس است، ولی تصویب لایحه به عهده‌ی دولت است. معنای تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی، تعبد به لفظ بدون اینکه به قرائن توجه بشود نیست. حالا ما چه کار کنیم که بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی از کلمه‌ی «تهیه» استفاده کرده است. ما می‌خواهیم این قدر از معنای این کلمه خارج شویم که در حالی که خود قانون اساسی بین «تهیه» و «تصویب» فرق گذاشته است، ما بگوییم نه، این دو با هم فرقی ندارند و در اینجا [در اصل (۱۵۸)] کلمه‌ی «تهیه» با قید «متناسب با جمهوری اسلامی» به معنای تصویب است! حالا اصلاً آن تالی فاسدهای این موضوع را هم کنار می‌گذاریم، ولی تفسیر همین دو جمله و نسبت این دو با هم چیست؟ بله، قوه‌ی قضائیه مهم است، متنها اهمیت این قوه باعث نمی‌شود که آن قاعده‌ی کلی در تقدیم لوایح به مجلس نقض بشود و ما این طور استنباط کنیم که چون قوه‌ی قضائیه دارای اهمیت است ما باید این گونه برداشتی از قانون اساسی داشته باشیم. بله، نباید کارهای مملکت بخوابد، اما چون نباید کارها بخوابد، راه‌حل و جعل حکم برای آن این طور است؟ بگردیم و یک راه‌حل بهتر پیدا کنیم. [آیت‌الله مدرسی] فرمودند که اگر واقعاً این موضوع این قدر اهمیت دارد، خود قانون اساسی راه‌حلش را گفته است؛ راه‌حلش این است که مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت

نظام برود و در آنجا تصویب بشود یا راه حل قانونی دیگری طی شود. اینکه ما به یک نهادی که قانون اساسی خودش صریحاً اختیار تقدیم لایحه به مجلس را به او نداده، اجازه بدهیم لایحه به مجلس بفرستد، کار درستی نیست. اصل (۱۵۸) قانون اساسی در مقام بیان، فقط این را احصا می کند که اختیارات رئیس قوه قضائیه اینها است که یکی از این اختیارات تهیهی لوایح قضایی است. اگر همه‌ی این مطالب را کنار هم بگذاریم، می بینیم قانون اساسی در یک جا گفته تهیه کنند و تصویب کنند یا در جای دیگر گفته تصویب کنند و تهیه کنند، اما آنچه در اصل (۱۵۸) گفته است فقط تهیهی لایحه است. خب، تقدیم لایحه به مجلس به وسیلهی رئیس قوه قضائیه خارج از اختیارات می شود. بنابراین من دربارهی این تفسیری که شما می فرمایید، از همه‌ی عزیزان خواهش می کنم دقت بفرمایند که از کجای این بند تفسیر، این دو شرط فهمیده می شود؟ در تفسیر شورای نگهبان آمده است که فرق لوایح قضایی و غیر قضایی مربوط به محتوای آنها است؛ یعنی اگر در امر قضایی مجازاتی تعیین شده است دولت نمی تواند بگوید مجازات به جای شش ماه، هشت ماه بشود؛ دولت این گونه موارد را نمی تواند دست بزند. ولی سؤال این است که آیا با توجه به همین تفسیر اگر در ضمن لایحه‌ی قضایی یک امری برای دولت بار مالی داشت، باز هم دولت حق تغییر این لوایح را ندارد؟

**آقای ابراهیمیان -** بله، این معلوم است دیگر.

**آقای رهپیک -** تفسیر شورای نگهبان دارد محتوا را می گوید.

**آقای ابراهیمیان -** اگر محتوای لایحه‌ای، تشکیلات، سازمان محاکم و مباحث دادرسی و این قبیل موضوعات باشد، آیا باز هم جزء مصادیق بارز لایحه‌ی قضایی محسوب می شود یا نه؟

**آقای رهپیک -** فرق محتوای قضایی با محتوای غیر قضایی چیست؟ آیا فرق آن، خواست قوه قضائیه است؟

**آقای علیزاده -** بند (۱) تفسیر شورای نگهبان مربوط به تعریف لایحه‌ی قضایی است و بند (۳) هم در مورد تکلیف دولت است.

**آقای رهپیک -** وضعیت لایحه‌ای که آقای ابراهیمیان می فرمایند که در آن ایجاد تشکیلات قضایی پیش بینی شده باشد خیلی روشن است. دولت نمی تواند به قوه قضائیه بگوید چرا دادگاه اختصاصی تأسیس کردی؛ چون این کار قوه قضائیه است. اما این چه حرفی است که دولت نمی تواند در مورد بار مالی لایحه‌ی مربوط به ایجاد

این تشکیلات قضایی اظهار نظر کند!

**آقای ابراهیمیان -** دولت باید لوایح قضایی را به مجلس بفرستد یا نه؟ دولت باید این لوایح را با اظهار نظر به مجلس بفرستد یا بدون اظهار نظر؟

**آقای رهپیک -** تفسیر سوم شورای نگهبان راجع به اصل (۱۵۸) قانون اساسی می گوید دولت فقط در مورد لوایح قضایی است که نمی تواند نظر بدهد. در همین تفسیر می گوید که لایحه قضایی چیست؛ این تفسیر نمی گوید که لایحه قضایی هر آن چیزی است که رئیس قوه قضائیه تهیه می کند.

**آقای ابراهیمیان -** نه، هر آنچه اصول قانون اساسی مشخص کرده، لایحه قضایی است.

**آقای عزیزاده -** تفسیر شورای نگهبان می گوید: «به مجلس تقدیم می گردد».

**آقای رهپیک -** شما بند بعدی تفسیر را می خوانید. شما اول موضوع را روشن کنید، بعد حکمش هم معلوم می شود. موضوع لایحه قضایی هر آن چیزی نیست که رئیس قوه قضائیه ارائه می دهد، بلکه موضوعش آن چیزی است که محتوای قضایی دارد. محتوای قضایی یعنی چه؟ یعنی لایحه، مجازات تعیین کرده است؛ محتوای قضایی یعنی چه؟ یعنی در لایحه گفته شده است مثلاً این دادگاه، دو تا باشد. در اینجاها دولت نمی تواند بگوید این دو دادگاه را یکی کنید [یا مجازات را لغو کنید یا مقدار آن را کم و زیاد کنید].

**آقای ابراهیمیان -** حاج آقای هاشمی شاهرودی هم پیشنهاد احیای دادرها را دادند.

**آقای رهپیک -** من به اقدام افراد کاری ندارم.

**آقای ابراهیمیان -** آیا دولت می تواند بگوید این لایحه قضایی هزینه دارد؛ به همین دلیل من آن را به مجلس نمی فرستم؟

**آقای رهپیک -** بله، طبق تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی می تواند بگوید.

**آقای ابراهیمیان -** شما با این تفسیر لایحه قضایی را تعریف کردید.

**آقای رهپیک -** بله، تعریف کردیم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** [هنگامی که این تفسیر اصل (۱۵۸) از شورای نگهبان صادر شد] من اینجا آمدم و همین سؤالات را [از اعضای شورای نگهبان] پرسیدم. آقایان اعضای شورا هم در جواب من، همین مطالبی که آقای دکتر ابراهیمیان می گویند را گفتند. آنها گفتند دولت محتوای قضایی لوایح قضایی را نمی تواند تغییر بدهد، ولی امور مالی، اداری و چیزهای دیگری که مربوط به دولت است را می تواند تغییر بدهد و

لذا بایستی لوایح قضایی به دولت برود.

**آقای رهپیک -** الان اگر یک لایحه‌ای را تحت عنوان «لایحه‌ی قضایی» ارائه کردند، ولی در آن در مورد استخدام کارکنان اداری قوه‌ی قضائیه صحبت کردند و مثلاً گفتند که این افراد را استخدام کنید یا این افراد را استخدام نکنید، آیا چون اسم این لایحه، قضایی است دولت نمی‌تواند در مورد احکام استخدامی مطرح در آن نظر بدهد؟!

**آقای هاشمی شاهرودی -** من هم همین را عرض می‌کنم.

**آقای علیزاده -** لایحه‌ی قضایی هست یا نیست؟

**آقای رهپیک -** همین دیگر.

**آقای علیزاده -** لایحه‌ی قضایی نیست. ما به لایحه‌ای می‌گوییم لایحه‌ی قضایی که محتوای قضایی دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** پس لایحه‌ی قضایی باید به دولت برود تا دولت هم در مورد امور اداری و مالی آن نظر بدهد.

**آقای رهپیک -** پس دولت در مورد امور اداری و امور مالی لوایح قضایی می‌تواند نظر بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، می‌تواند نظر بدهد.

**آقای علیزاده -** در امور اداری و امور مالی.

**آقای رهپیک -** بنابراین برای همین گفته شده لوایح قضایی باید در هیئت دولت هم تصویب بشود.

**آقای علیزاده -** این لوایح در امور مالی بیاید در هیئت دولت هم تصویب بشود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ممکن است دولت بگوید برای اجرای فلان لایحه‌ی قضایی، اصلاً بودجه نداریم.

**آقای علیزاده -** مثلاً اگر در لایحه‌ای قضایی این موضوع آمده باشد که امسال دولت مکلف است پانصد میلیارد تومان اضافه‌تر از قبل به قوه‌ی قضائیه بدهد، این می‌شود امور مالی که در یک لایحه‌ی قضایی آمده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** فرقی نمی‌کند، آن هم مالی است.

**آقای علیزاده -** اما فرض بفرمایید قوه‌ی قضائیه در لایحه‌ای قضایی بگوید من امسال می‌خواهم درباره‌ی قانون تجارت لایحه بدهم و می‌خواهم دادگاه تجارت هم تشکیل بدهم. در این مورد تکلیف چیست؟

**آقای مدرسی یزدی** - و تشکیل دادگاه تجارت هزینه هم دارد.

**آقای عزیزاده** - بله، تشکیل دادگاه، هزینه هم دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ممکن است دولت بگوید برای انجام این کار، بودجه‌ی کافی ندارم.

**آقای عزیزاده** - تشکیل دادگاه تجارت هزینه‌بر است.

**آقای رهپیک** - آقای عزیزاده، شما همین پریروز در همین جلسه‌ی شورای نگهبان که در مورد بررسی «لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز» بود، چند مورد از مواد آن لایحه را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی اعلام کردید. در آن لایحه آمده بود یک سامانه‌ی الکترونیکی راه‌اندازی شود که شما گفتید انجام این کار، بار مالی دارد.<sup>(۱)</sup>

**آقای عزیزاده** - لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز محتوای قضایی دارد؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله.

**آقای رهپیک** - دولت هم می‌گوید این مقداری را که در لایحه قضایی هزینه برآورد شده است، پولش را ندارم.

**آقای عزیزاده** - لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قضایی نیست.

**آقای رهپیک** - قضایی نیست! ما آن لایحه را به قوه‌ی قضائیه دادیم تا نگاه کند [تا قابل طرح در مجلس و شورای نگهبان باشد].

**آقای عزیزاده** - لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قضایی نیست.

**آقای رهپیک** - اصلاً این حرف شما خلاف تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) است.

**آقای عزیزاده** - چرا ما آن لایحه را با لوائح قضایی قاطی می‌کنیم؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز بار مالی داشت و مربوط به این مصوبه هم نیست. این مصوبه، جهتش محتوایی نیست.

**آقای رهپیک** - شما لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز را به مجلس برگردانید و گفتید قوه‌ی قضائیه هم باید درباره‌ی آن نظر بدهد.<sup>(۲)</sup> چرا شما این نکته را نمی‌گویید؟! شما

۱. بند (۱) نظر شماره ۱۳۹۲/۸/۱۲ مورخ ۹۲/۳۰/۵۲۱۳۵ شورای نگهبان در خصوص لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «۱- در ماده (۳ مکرر) ایجاد و راه‌اندازی سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند جدید از حیث عدم تأمین بار مالی، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. بند (الف) نظر شماره ۹۰۳۰/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸ شورای نگهبان در خصوص لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «الف- نظر به اینکه این لایحه در موارد عدیده دارای ماهیت قضایی است و باید



گفتید قوه‌ی قضائیه هم باید درباره‌ی آن نظر بدهد. این یعنی [مجلس و دولت] یک سال معطل شوند تا قوه‌ی قضائیه هم نظرش را بدهد. چرا این نکته را نمی‌گویید؟!

**آقای عزیزاده -** ما برای چه به لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایراد گرفتیم؟ شما چرا اینها را با هم قاطی می‌کنید؟ ما به آن لایحه این ایراد را گرفتیم که برخی موارد که در اصل لایحه نبوده است را نمایندگان مجلس به آن اضافه کرده‌اند. شما چرا این مباحث را اینجا می‌آورید و با این مصوبه قاطی می‌کنید؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** مجلس اضافه نکرده بود.

**آقای عزیزاده -** بله، مجلس اضافه کرده بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مجلس درباره‌ی لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را گرفته بود.

**آقای عزیزاده -** نه، مجلس نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را نگرفته بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا، گرفته بود.

**آقای عزیزاده -** مجلس خودش مواردش را به آن لایحه اضافه کرده بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مجلس بعداً نظر قوه‌ی قضائیه را هم گرفت.

**آقای عزیزاده -** اصلاً بحث سامانه‌ی الکترونیکی را رئیس قوه‌ی قضائیه نگفته بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا، ایشان گفته بود.

**آقای عزیزاده -** نه، آن لایحه را بیاورید. این را مجلس اضافه کرده بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** معاونت قوه‌ی قضائیه هم گفته که نظر رئیس قوه‌ی قضائیه همین بوده است.

**آقای ره‌پیک -** دوستان در همه‌ی بحث‌های خود استدلال می‌کنند که لایحه‌ی قضایی این است، لایحه‌ی قضایی این نیست. بالاخره لایحه‌ی قضایی چیست؟ این باید روشن بشود. تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی درباره‌ی اینکه لایحه‌ی قضایی چیست، می‌گوید: «فرق لوایح قضایی و غیر قضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به ویژه اصول (۱۵۶) و

→

توسط رئیس مکرّم قوه قضائیه تهیه می‌شد و با عنایت به نظریه تفسیری این شورا در خصوص مورد اقدام می‌گردید، لازم است حداقل نظر ایشان نیز اخذ شود.»

(۱۵۷) و (۱۵۸) و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.»

**آقای ابراهیمیان** - بله، در این تفسیر شماره‌ی اصول مربوطه‌ی قانون اساسی را هم آورده‌اند.

**آقای جنتی** - آقای علیزاده، بحث‌ها دارد دوباره تکرار می‌شود؛ می‌توانید رأی بگیرید.

**آقای علیزاده** - حضرات آقایانی که به طور کلی این مصوبه را که می‌گوید: «در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند»، خلاف هر اصلی از اصول قانون اساسی از جمله اصول (۷۴) و (۱۵۸) می‌دانند، رأی بدهند.

**آقای علیزاده** - چند تا رأی باید بگیریم؟

**آقای مؤمن** - دو تا: یکی درباره‌ی این موضوع، یکی هم راجع به تصویب و ارسال لایحه‌ی قضایی به مجلس.

**آقای علیزاده** - من به طور کلی این طور می‌گویم، کسانی که درباره‌ی نحوه‌ی ارسال لایحه‌ی قضایی به مجلس ایراد دارند، رأی بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ارسال چه کسی؟

**آقای علیزاده** - اینکه دولت ملزم به ارسال لوایح قضایی به مجلس باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - در این مصوبه مقصود این است که رئیس قوه‌ی قضائیه لوایح قضایی را به مجلس ارسال کند.

**آقای علیزاده** - بله همین، اینکه رئیس قوه‌ی قضائیه لوایح قضایی را به مجلس ارسال کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، خلاف اصل (۷۴) قانون اساسی است.

**آقای علیزاده** - حضرات آقایانی که نسبت به اینکه دولت ملزم به تصویب لوایح قضایی است ایراد دارند، رأی بدهند.

**آقای ابراهیمیان** - مفاد مصوبه‌ی فعلی این نیست.

**آقای علیزاده** - چرا، در متن مصوبه آمده است: «نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید».

**آقای سلیمی** - کلمه‌ی «تصویب» در این مصوبه هم آمده است.

**آقای علیزاده** - بله، کلمه‌ی «تصویب» اضافه است.

**آقای مؤمن** - این مورد نیاز به تذکر ندارد؟

**آقای عزیزاده** - نه.

**آقای اسماعیلی** - بودن کلمه‌ی «تصویب» درست است.

**آقای عزیزاده** - نه، کلمه‌ی «تصویب» اشکال دارد.

**آقای مؤمن** - ظاهراً ایرادی که در اینجا مطرح است و آقای عزیزاده هم می‌خواهند همین را بفرمایند این است که اینکه این مصوبه گفته است: «در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید»، درست نیست.

**آقای عزیزاده** - این مصوبه قیود «تصویب» و «ارسال» هر دو را دارد.

**آقای مؤمن** - از متن این مصوبه این طور استفاده می‌شود که هیئت دولت می‌تواند لایحه‌ی قضایی را تصویب کند.

**آقای عزیزاده** - طبق این مصوبه، هر لایحه‌ای مربوط به هر جا که باشد، باید به دولت برود. اعضای مجمع مشورتی - فقهی شورای نگهبان با توجه به الزام دولت در تصویب لوایح قضایی، این مصوبه را دارای ایراد می‌دانند.<sup>(۱)</sup>

**آقای مؤمن** - یعنی این مصوبه حق تصویب لوایح قضایی را به دولت داده است.

**آقای سلیمی** - دولت حق تصویب لوایح قضایی را ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا؟

**آقای سلیمی** - طبق تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی، دولت حق تغییر لوایح قضایی را ندارد.

**آقای مؤمن** - بله.

۱. اظهار نظر کارشناسی شماره ۶۶۰/ف/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ مجمع مشورتی - فقهی شورای نگهبان، مندرج در گزارش جلسه ششصد و پنجاه و پنجم این مجمع: «در مقابل نظر بعضی از اعضا این بود که چه بسا تهیه لایحه به معنای کامل شدن آن می‌باشد و قرینه و شاهد این ادعا اصل (۱۰۲) قانون اساسی یعنی وجود حق تهیه طرح‌ها توسط شورای عالی استان‌ها و ارسال مستقیم به مجلس می‌باشد که از آن استفاده می‌شود که منظور از تعبیر به «تهیه لوایح» کامل بودن لایحه و عدم توقف آن بر تصویب هیئت وزیران می‌باشد. مضافاً اینکه از تعبیر «متناسب بودن با جمهوری اسلامی» در لوایح قضائی تهیه شده توسط رئیس قوه قضائیه این مطلب استفاده می‌شود که هیئت دولت حقی در تصرف در لایحه ارسالی توسط رئیس قوه قضائیه نداشته و لایحه ارسالی توسط رئیس قوه قضائیه لایحه قانونی کامل بوده و قانونی بودن آن متوقف بر تصویب هیئت وزیران نمی‌باشد.» (www.shora-rc.ir)

**آقای هاشمی شاهرودی** - این مصوبه با اصل (۷۴) قانون اساسی مغایرت دارد.  
**آقای سلیمی** - طبق تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی: «هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.»

**آقای علیزاده** - نه، در این مصوبه، الزام دولت به تصویب لوایح قضایی اشکال دارد.  
**آقای مؤمن** - این مصوبه فقط اجازه‌ی تصویب را به دولت داده، نه اینکه دولت را به تصویب لوایح قضایی الزام کرده باشد.

**آقای علیزاده** - آقایانی که عبارت «تصویب و ارسال لایحه به مجلس» را با توجه به تفسیر شورای نگهبان و با توجه به اصل (۷۴) قانون اساسی دارای اشکال می‌دانند، بفرمایند.  
**آقای مؤمن** - بله، ما می‌گوییم ایراد دارد.

**آقای سلیمی** - ما تصویب لوایح قضایی توسط دولت را خلاف [قانون اساسی] می‌دانیم.

**آقای علیزاده** - ما تصویب لوایح قضایی در دولت را ایراد داریم.

**منشی جلسه** - این اشکال سه رأی دارد.

**آقای علیزاده** - این مصوبه از آن طرف هم اشکال دارد و نمی‌تواند به دولت بگوید لایحه‌ای را که خودت آن را قبول نداری، حتماً تصویب کن.

**آقای اسماعیلی** - نه، تصویبی که در این مصوبه مطرح است به معنای اینکه دولت حتماً لایحه‌ی قضایی را تصویب کند، نیست.

**آقای سلیمی** - این مصوبه، «حق تصویب» را گفته است.

**آقای علیزاده** - نه، حق تصویب را نگفته است.

**آقای مؤمن** - نه، نگفته است.

**آقای علیزاده** - ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه هم این مطلب را نگفته است.

**آقای مؤمن** - ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه ایراد ندارد.

**آقای علیزاده** - ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه می‌گوید: «دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می‌شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.»

**آقای مؤمن** - مفاد این ماده درست است.

**آقای علیزاده** - این ماده بحث تصویب لوایح قضایی در هیئت دولت را ندارد.

**آقای مؤمن** - اینکه این مصوبه اجازه‌ی تصویب را می‌دهد به معنای الزام به تصویب نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - در ماده واحده این مصوبه عبارت «دولت موظف است» هم آمده است.

**آقای مؤمن** - دولت موظف است لوایح قضایی را تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ما هم در تفسیر خود از اصل (۱۵۸) قانون اساسی دولت را به تقدیم لوایح قضایی به مجلس موظف کرده‌ایم.

**آقای سلیمی** - دولت موظف به «تقدیم» لوایح قضایی به مجلس است.

**آقای علیزاده** - دولت موظف به تقدیم لوایح قضایی به مجلس است، نه چیز دیگر.

**آقای هاشمی شاهرودی** - در این مصوبه باید عبارت «ارسال کند» به «تقدیم کند»، تبدیل می‌شد.

**آقای مؤمن** - نه، ما هم حرف آن کسی که این را گفته بود، قبول نداریم.

**آقای علیزاده** - کلمه‌ی «تصویب» در این مصوبه اشکال دارد.

**آقای مؤمن** - منظور از «تصویب» در این مصوبه، اجازه‌ی تصویب است؛ یعنی اینکه به دولت اجازه‌ی تصویب لوایح قضایی را می‌دهد.

**آقای علیزاده** - ما می‌گوییم الزام دولت به تصویب اشکال دارد.

**آقای سلیمی** - این اشکال هم رأی نیاورد.

**آقای مدرسی یزدی** - بله، این هم رأی نمی‌آورد.

**آقای رهپیک** - الحمدلله این مصوبه بار مالی هم که ندارد.

**آقای علیزاده** - ممکن است بار مالی هم داشته باشد.

**آقای رهپیک** - تکلیف شورای نگهبان در قبال لوایح قضایی که در مجلس تصویب شده است، چیست؟

**آقای علیزاده** - اگر مصوبه‌ی فعلی، در قالب لایحه تنظیم شده بود، اشکال نداشت.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این مصوبه، بار مالی ندارد؟! خود این طرح، مستلزم بار مالی برای دولت است.

**آقای علیزاده** - نه.

**آقای ابراهیمیان** - این مصوبه مستقیماً برای دولت بار مالی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این مصوبه سبب می‌شود دولت همه جا مجبور بشود، [به رغم بار مالی لوایح قضایی، آنها را به مجلس ارسال کند].

**آقای علیزاده -** این تبصره‌ی الحاقی هیچ چیز اضافه‌ای نسبت به ماده (۳) سابق در قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این مصوبه، بار مالی دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** این مصوبه، طرح بوده است و بار مالی هم دارد.

**آقای علیزاده -** حضرات آقایانی که می‌فرمایند این مصوبه، چون طرح است و بار مالی برای دولت دارد، مغایر قانون اساسی است، رأی بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** قطعاً بار مالی دارد.

**منشی جلسه -** همان چهار رأی را دارد.

**آقای ابراهیمیان -** این مصوبه مستقیماً بار مالی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مستقیماً بار مالی دارد.

**آقای علیزاده -** این مصوبه، به خودی خود، الآن بار مالی ندارد، ولی در آینده ممکن است آنچه با توجه به آن می‌خواهد به مجلس بیاید، بار مالی داشته باشد. آنچه که بر این اساس هم خواهد آمد، لایحه است، طرح نیست [و بنابراین، ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی را نخواهد داشت]. چرا این را می‌فرمایید؟

**آقای سلیمی -** اعلام تذکر به مجلس، درباره‌ی کلمه‌ی «تصویب» را رأی بگیرید؛ اگر رأی آورد نسبت به آن به مجلس تذکر بدهید.

**آقای جنتی -** شما بگویید اطلاق این مصوبه نسبت به مواردی که بار مالی دارد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

**آقای علیزاده -** این مصوبه که بار مالی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا، اطلاقش بار مالی دارد.

**آقای مؤمن -** نه، مفاد این مصوبه همان ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** قطعاً اطلاق این مصوبه بار مالی دارد.

**آقای ابراهیمیان -** در تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۵۸) قانون اساسی برای تعریف لایحه‌ی قضایی به خود اصل (۱۵۸) قانون اساسی که سه بند دارد، اشاره شده است.

**آقای مؤمن** - دولت موظف است لوایح قضایی را به مجلس تقدیم کند.

**آقای ابراهیمیان** - تفسیر شورای نگهبان می‌گوید هر لایحه‌ای که مربوط به اصل (۱۵۸) قانون اساسی باشد، محتوایش قضایی است.

**آقای علیزاده** - تفسیر شورای نگهبان نمی‌گوید هر مصوبه‌ای بار مالی دارد، قضایی هست یا نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - درست است، ولی همین طرح منشأ بار مالی است.

**آقای مؤمن** - نه.

**آقای علیزاده** - اصل (۷۵) قانون اساسی مربوط به طرح‌ها و پیشنهادهایی است که نمایندگان مجلس در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند.

**آقای مدرسی یزدی** - حالا دیگر این بحث را تمام کنید.

**آقای مؤمن** - اصلاً خود ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه را ببینید چه می‌گوید: «دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می‌شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.» اگر شما به لایحه‌ی قضایی که بار مالی دارد ایراد دارید، در واقع به این قانون ایراد دارید؛ چون این مصوبه کنونی مجلس هم تبصره‌ی همین قانون است. تبصره‌ی الحاقی می‌گوید: «در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد...»، این تبصره گفته است برای تقدیم لایحه‌ی قضایی به مجلس، سه ماه دیگر به دولت فرصت بدهید؛ این کار که اشکالی ندارد.

**آقای رهپیک** - ما به این مصوبه ایراد بار مالی نداشتیم.

**آقای مؤمن** - لایحه‌ی قضایی یعنی لایحه‌ای که توسط رئیس قوه‌ی قضائیه تهیه می‌شود.

**آقای رهپیک** - لایحه‌ی قضایی یعنی متضمن امر قضایی.

**آقای هاشمی شاهرودی** - فلان لایحه، قضایی است؛ یعنی اینکه چون توسط رئیس

قوه‌ی قضائیه تهیه می‌شود، امر قضایی است؟! این چه حرف‌هایی است که می‌زنید؟!

**آقای ابراهیمیان** - من خواهش می‌کنم یک عنایتی به بند (۱) تفسیر شورای نگهبان

بفرمایید. در بند (۱) این تفسیر، شورای نگهبان در تعریف لایحه‌ی قضایی به اصل

(۱۵۸) قانون اساسی اشاره کرده است. اصل (۱۵۸) قانون اساسی سه بند دارد: ۱-

ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری؛ ۲- تهیهی لوایح قضایی؛ ۳- استخدام قضات. اتفاقاً همه‌ی این سه بند یا حداقل ممکن است دو بند از آنها حتماً بار مالی داشته باشد. این یعنی شورای نگهبان گفته است لایحه‌ی قضایی لایحه‌ای است که محتوای آن قضایی است و به اصل (۱۵۸) قانون اساسی که سه بند دارد و دو بندش هم غالباً بار مالی دارد، مربوط می‌شود.

**آقای ره‌پیک -** بار مالی منصرف است.

**آقای ابراهیمیان -** انصراف وقتی است که یک چیزی باقی بماند و الاً تخصیص اکثر می‌شود.

**آقای عزیزاده -** ایراد بار مالی متوجه طرح‌ها است و بار مالی داشتن لایحه اشکالی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** تفسیر شورای نگهبان به اصل (۱۵۸) قانون اساسی اشاره کرده است.

**آقای عزیزاده -** حالا باز هم اگر کسی معتقد است اطلاق این مصوبه دارای بار مالی موضوع اصل (۷۵) قانون اساسی است، رأی بدهد.

**آقای مدرسی یزدی -** این مصوبه چون در قالب طرح در مجلس مطرح شده است، ایراد دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چون طرح است، [بار مالی دارد و ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی به آن وارد است].

**آقای مدرسی یزدی -** این بحث فایده ندارد، رأی بگیرید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این مصوبه رأی نمی‌آورد. ما نظرم را گفتیم.

**آقای ره‌پیک -** خب، اگر مصوبه‌ای به صورت لایحه آمد، تکلیف چیست؟

**آقای عزیزاده -** حالا اگر این طور آمد، تکلیفش را روشن می‌کنیم.

**آقای مؤمن -** بله، وقتی آمد درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم.

**آقای مدرسی یزدی -** واضح است که نمی‌شود به چنین مصوبه‌ای ایراد گرفت.

**آقای ره‌پیک -** بله، نمی‌شود به چنین مصوبه‌ای ایراد گرفت.

**آقای مدرسی یزدی -** ما هم می‌گوییم نمی‌شود.

**آقای عزیزاده -** شما که نمی‌توانید به لایحه ایراد بگیرید. اصل (۷۵) قانون اساسی در خصوص طرح‌ها است، آن وقت شما لایحه را می‌گویید [بار مالی دارد]؟!

**آقای ره‌پیک -** همین دیگر.

**آقای مؤمن -** [طبق اصل (۷۵) قانون اساسی] اگر مجلس چیزی به لوایح قانونی هم اضافه



کرد، باید طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید را نیز در آن معلوم کند.

**آقای علیزاده** - پس این لایحه‌ای که دولت می‌دهد، بار مالی دارد.

**آقای رهپیک** - مفروض [اصل (۷۵) قانون اساسی] این است که لایحه را دولت می‌دهد.

**آقای مؤمن** - نه، مفروضش این نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - حالا فردا در هر موردی که دولت لایحه‌ای قضایی را تغییر

بدهد و بگوید من از نظر بودجه‌ای نمی‌توانم این لایحه را اجرایی کنم، شما می‌گویید

دولت حق تغییر لوایح قضایی را ندارد!

**آقای رهپیک** - دولت حق تغییر لوایح قضایی را ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا رئیس قوه‌ی قضائیه لوایح قضایی را به دولت می‌فرستد؟

**آقای رهپیک** - یعنی اصول مربوط به بودجه و اینها هیچی.

**آقای هاشمی شاهرودی** - شما که مباحث قضایی این مصوبه را گفتید، بار مالی آن را

هم بگویید که درباره‌ی آن می‌خواهید چه کار کنید.

**آقای علیزاده** - دادگستری تا به حال هر لایحه‌ای ارائه داده، درآمدزا بوده و هیچ کدام

از آنها منجر به کاهش درآمد دولت نشده است.

**آقای رهپیک** - این چه حرفی است که شما می‌گویید!؟

**آقای ابراهیمیان** - حالا آنکه بحث مصداقی است.

**آقای علیزاده** - ما کاری به اینها نداریم.<sup>(۱)</sup>

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۲۱۹ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۹۸/۴۷۲۴۳ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۲۱۲۷ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۱، طرح الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه، مصوب جلسه مورخ سی‌ام مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

## لایحه موافقتنامه همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور فدراسیون روسیه

**منشی جلسه -** «لایحه موافقتنامه همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور فدراسیون روسیه»<sup>(۱)</sup>

**آقای عزیزاده -** حضرات آقایانی که نسبت به این مصوبه موافقتنامه همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور فدراسیون روسیه ایرادی دارند، بفرمایند که چه ایراداتی در آن هست؟

**آقای اسماعیلی -** از نظر بنده ایرادی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** مرکز تحقیقات شورای نگهبان تعدادی از عبارات این مصوبه را مبهم دانسته<sup>(۲)</sup> که این ایراد وارد نیست. مثلاً می‌گویند مشخص نیست منظور از «جرائم خشونت‌بار» چیست، درحالی‌که منظور از این نوع جرائم، واضح است.

**آقای مدرسی‌زیدی -** بنده یک عرضی دارم. در همین اظهارنظر کارشناسی مرکز تحقیقات شورای نگهبان یک ایرادی در حاشیه‌ی گزارش نوشته‌اند که نمی‌دانم وارد هست یا نه؟ نوشته‌اند چون ماهیت این مصوبه قضایی است، بر اساس تفسیر اصل (۱۵۸) قانون اساسی<sup>(۳)</sup> اگر مرجعی غیر از قوه‌ی قضائیه آن را تهیه کرده باشد، اشکال

۱. لایحه موافقتنامه همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور فدراسیون روسیه در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی‌شده در اصل ۹۴ قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۶۶/۴۷۷۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۵، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۲۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. اظهارنظر کارشناسی شماره ۹۲۰۸۰۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۷ مرکز تحقیقات شورای نگهبان: «ماده ۲- عبارت و واژه‌های «جرائم خشونت‌آمیز»، «فعالیت افراط‌گرایانه» و «فساد» مقرر در ذیل بند (۱) این ماده، با توجه به عدم تعریف آنها در قوانین، واجد ابهام می‌باشند.» ([www.shora-rc.ir](http://www.shora-rc.ir))

۳. نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان: «۱- فرق لوایح قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به‌ویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.

دارد؛<sup>(۱)</sup> چون خود دولت نمی‌تواند رأساً اقدام کند. البته من احتمال می‌دهم خود قوه قضائیه [این لایحه را تهیه کرده باشد].

**آقای عزیزاده -** چرا قوه قضائیه [باید لایحه را] تهیه کند؟ وزارت کشور باید لایحه‌ی آن را تهیه کند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** نه، چون اکثر مواد این مصوبه، قضایی محض است، [پس قوه قضائیه باید تهیه کند].

**آقای اسماعیلی -** نه، اصلاً موافقتنامه‌های بین‌المللی را [دولت تهیه می‌کند و برای تصویب به مجلس می‌فرستد].

**آقای رهپیک -** همه‌ی موافقتنامه‌ها همین‌جوری هستند [که توسط دولت تهیه می‌شوند].

**آقای اسماعیلی -** اعمال موافقتنامه‌ها طبق اصل (۱۲۵) قانون اساسی،<sup>(۲)</sup> مطلقاً با دولت است.

→

۲- هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

۳- لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این‌گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.

۱. اظهارنظر کارشناسی شماره ۹۲۰۸۰۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۷ مرکز تحقیقات شورای نگهبان: «نظر اقلیت: ایراد کلی: با توجه به زمینه‌های همکاری در نظر گرفته‌شده برای این موافقتنامه که شامل حوزه‌های «پیشگیری، شناسایی، مقابله و کشف جرائم» (مقرر در بند ۱ ماده ۲) و همچنین موارد مقرر در ذیل بند (۱) ماده (۳) می‌شوند، به نظر می‌رسد که ماهیت قضایی این موارد بیانگر لزوم ابتکار این موافقتنامه توسط رئیس قوه قضائیه می‌باشد. توضیح آنکه، بند (۲) نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ به‌روشنی تأکید دارد که «هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید». همچنین با توجه به بند (۱) این نظریه، لایحه قضایی شامل لوایحی می‌شود که محتوای آن موارد مصرح در فصل یازدهم قانون اساسی به‌ویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی باشد و با مراجعه به این اصول مشاهده می‌شود که مواردی همچون کشف جرم و تعقیب مجرمین (بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی) و نیز پیشگیری از وقوع جرم (بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی) در زمره صلاحیت‌های قوه قضائیه است. بنابراین با توجه به اطلاق بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی مبنی بر لزوم تهیه لوایح قضایی توسط رئیس قوه قضائیه و نیز نظریه تفسیری شورای نگهبان در این خصوص، این مصوبه مغایر با قانون اساسی می‌باشد.»

۲. اصل (۱۲۵) قانون اساسی: «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس

←

**آقای جنتی -** [تا حالا] همین جور بوده است.

**آقای مدرسی یزدی -** خب تا حالا توجه نکرده بودیم. اگر به نظر تفسیری خودمان در مورد اصل (۱۵۸) قانون اساسی توجه کنیم، در تفسیر خودمان مشخص است که دولت نمی تواند رأساً به تهیهی لوایح قضایی اقدام کند.

**آقای مؤمن -** این لایحه، ماهیت قضایی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی -** این مصوبه، عمدتاً جنبه قضایی دارد.

**آقای اسماعیلی -** نه، موافقتنامه‌ها به‌طور کلی در قانون اساسی به دولت واگذار شده است.

**آقای مدرسی یزدی -** کجای قانون اساسی این موضوع را گفته است؟ شورای نگهبان اصل (۱۵۸) را این‌طور تفسیر کرده است. اگر این ایراد، جواب درستی دارد بگویید. من نمی‌گویم این اشکال در اینجا وارد است، ولی ایرادی است که نیاز به جواب دارد.

**آقای علیزاده -** قانون اساسی می‌گوید موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد؛ اما مرجع تهیهی آنها بیان نشده است، منتها طرف قراردادها همیشه دولت‌ها هستند، [نه قوهی قضائیه]. این قراردادها بین قوهی قضائیه کشورها منعقد نمی‌شود.

**آقای اسماعیلی -** بله.

**آقای مدرسی یزدی -** درست است که تمام قراردادهای بین‌المللی را دولت تهیه می‌کند ولی در قراردادی که ماهیت قضایی دارد، دولت نمی‌تواند رأساً اقدام کند.

**آقای اسماعیلی -** طبق اصل (۱۲۵) قانون اساسی، «امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است.»

**آقای مدرسی یزدی -** عیبی ندارد. مثل آنجا که [در اصل ۷۴ قانون اساسی و در نظریه‌ی تفسیری ذیل اصل (۱۵۸) قانون اساسی] گفته شده که لوایح قضایی نیز باید توسط دولت تصویب بشود، اینجا هم [در اصل (۱۲۵) قانون اساسی] می‌گوید که موافقتنامه‌ها توسط رئیس‌جمهور یا نماینده‌ی قانونی او امضا می‌شود، ولی تهیهی این

→

شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است.»

لوايح مسئله‌ی مورد بحث است.

**آقای ابراهیمیان -** لوايحی، مصداق لایحه‌ی قضایی تلقی می‌شوند که تهیه‌ی آن، توسط قوه‌ی قضائیه قابل تصور باشد.

**آقای مدرسی‌یزدی -** چرا این لایحه، مصداق لایحه قضایی نیست؟

**آقای ابراهیمیان -** چون خود قوه‌ی قضائیه نمی‌تواند موافقتنامه را تهیه کند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** الآن از آقایان سؤال کنید چقدر موافقتنامه مربوط به معاضدت قضایی [توسط قوه‌ی قضائیه تهیه می‌شود؟]

**آقای ابراهیمیان -** تهیه‌ی پیش‌نویس یک موافقتنامه با تهیه‌ی [متن نهایی آن تفاوت دارد].

**آقای علیزاده -** [رؤسای قوه‌ی قضائیه اعم از] حضرت آیت‌الله شاهرودی یا آقایان دیگر [هیچ‌گاه موافقتنامه‌های بین‌المللی] امضا نمی‌کرده‌اند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** امضای موافقتنامه مهم نیست، تهیه‌ی آن، مهم است. تا حالا، بسیاری از لوايح معاضدت قضایی توسط قوه‌ی قضائیه تهیه شده است.

**آقای ابراهیمیان -** توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شده است.

**آقای علیزاده -** ولی [رئیس قوه‌ی قضائیه] نظرش را می‌داد.

**آقای مدرسی‌یزدی -** به‌هرحال این اشکال بدون جوابی است، [هر چند] بنده الآن به این مصوبه ایرادی ندارم.

**آقای علیزاده -** اصلاً اینکه به موافقتنامه، «قانون» اطلاق شود، اشکال دارد؛ چون موافقتنامه‌ها و عهدنامه‌ها [به معنای واقعی کلمه] «قانون» نیستند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** اگر قانون نیست، پس چه عنوانی دارد؟ پس چرا تصویب مجلس شورای اسلامی را می‌خواهد؟

**آقای علیزاده -** به بودجه هم [قانون می‌گویند، ولی به معنای واقعی، «قانون» نیست، هر چند نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد].

**آقای مدرسی‌یزدی -** بودجه هم «قانون» است. به آن «قانون بودجه» می‌گویند.

**آقای علیزاده -** اگر این موارد «قانون» بودند، برای آنها اصول دیگری در قانون اساسی در نظر نمی‌گرفتند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** نه، بدون هیچ شبهه‌ای اینها هم «قانون» هستند.

**آقای علیزاده -** اینکه دولت برای قرض گرفتن از خارج، از مجلس مجوز می‌گیرد،

این در واقع، قانون نیست یا اینکه دولت برای قرض دادن از مجلس مجوز می‌گیرد، این هم قانون نیست، ولی مجلس باید اینها را تصویب بکند.<sup>(۱)</sup> عهدنامه‌ها و مقاله‌نامه‌ها هم همین طور است. این موضوع، بحث جداگانه‌ای دارد.

**آقای ابراهیمیان -** اصل (۱۲۵) قانون اساسی گفته: «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد». در این موضوع که آیا این عناوین، تخصصاً از عنوان «لایحه» هم خارج است یا نه، جای بحث دارد؛ یعنی آیا اصلاً به این موافقتنامه‌ها می‌توانیم لایحه بگوییم یا نه؟

**آقای علیزاده -** بله، نمی‌توان به موافقتنامه‌ها، «لایحه» گفت.

**آقای مدرسی‌یزدی -** دولت خودش اسم این موافقتنامه را «لایحه موافقتنامه» گذاشته است.

**آقای ابراهیمیان -** ولی در قانون اساسی موافقتنامه‌ها، «لایحه» تلقی نشده‌اند، بلکه در قانون اساسی، صرفاً گفته «قراردادها». این نام‌گذاری، یک نوع مسامحه در لفظ است.

**آقای علیزاده -** ما به «بودجه»، لایحه‌ی بودجه نمی‌گوییم و فقط به صورت کلی به آن «بودجه» می‌گوییم.

**آقای مدرسی‌یزدی -** به هر حال، بنده جوابی که قانع‌کننده باشد، پیدا نکردم. البته نمی‌گویم که جواب ندارد، ولی فعلاً جواب قانع‌کننده‌ای برای این ایراد نشنیدم.

**آقای علیزاده -** خیلی خب، رأی بگیرید.

**آقای مدرسی‌یزدی -** اشکال دیگری هم به نظرم می‌آید.

**آقای علیزاده -** می‌دانم. فعلاً من همین اشکال را می‌گویم رأی بگیرید.

**آقای مدرسی‌یزدی -** در مورد این اشکال [= قضایی بودن یا نبودن موافقتنامه‌های معاضدت قضایی]، من باید یک مقدار در خصوص اصول قانون اساسی فکر کنم.

**آقای مؤمن -** [یعنی می‌فرمایید] این لایحه، قضایی است!؟

**آقای مدرسی‌یزدی -** بله، ممکن است قضایی باشد.

**آقای علیزاده -** نه.

**آقای مؤمن -** نه، وقتی می‌گویید «ممکن است» ماهیت قضایی داشته باشد، یعنی شما دلیلی برای قضایی بودن آن دارید؟

۱. طبق اصل (۸۰) قانون اساسی، «گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد».

**آقای مدرسی یزدی -** عرض کردم نمی دانم ماهیت قضایی دارد یا نه. من فقط اشکالش را مطرح کردم.

**آقای مؤمن -** پس رأی ندارید.

**آقای مدرسی یزدی -** نه نمی دانم. بنده فقط اشکال آقایان [کارشناسان مرکز تحقیقات شورای نگهبان] را گفتم، ولی الآن جواب درستی برای این ایراد نمی یابم، ولی نمی گویم که اشکالشان هم وارد است. ایراد دیگری که در این مصوبه وجود دارد، در بند (۲) ماده (۸) مصوبه است. این بند می گوید: «اطلاعات و نتایج حاصله از اجرای درخواست که بر اساس این موافقتنامه دریافت شده اند، بدون موافقت طرف ارائه کننده، برای اهداف دیگر به جز اهدافی که برای آنها درخواست شده و ارائه گردیده اند، قابل استفاده نمی باشد». اطلاق این بند، خلاف شرع است؛ چون گاهی اطلاعاتی است که ما به واسطه‌ی آن از ارتکاب گناهی مطلع می شویم که مثلاً مستوجب حد شرعی یا زندان است و یا لازم است اقدام دیگری نسبت به مرتکب صورت گیرد؛ [درحالی که این ماده] می گوید اگر از این طریق فهمیدید، ولو اینکه علم هم دارید، نمی توانید به آن ترتیب اثر بدهید. [به همین دلیل]، این بند خلاف شرع است.

**آقای علیزاده -** [بر اساس این حکم]، شما نمی توانید این اطلاعات را مدرک قرار بدهید؛ به شما اجازه این کار را نمی دهد.

**آقای مدرسی یزدی -** خب، همان خلاف شرع است دیگر؛ اطلاق این بند خلاف شرع است.

**آقای علیزاده -** [حکم مذکور در این بند] جلوی علم شما را نمی گیرد.

**آقای مدرسی یزدی -** این مصوبه می گوید نمی توانید به علمی که به دست آورده اید، ترتیب اثر بدهید؛ یعنی اگرچه می دانید فردی مثلاً زانی است یا فردی محارب است، ولی نمی توانید حد را بر او جاری کنید.

**آقای مؤمن -** منظور این نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** چرا دیگر؛ این ماده می گوید به اطلاعاتی که حاصل شده ولو منتهی به علم شده باشد، نباید ترتیب اثر داد.

**آقای مؤمن -** نه.

**آقای مدرسی یزدی -** اطلاق این ماده، شامل اطلاعات حاصل شده است و می گوید ولو منتهی به قطع و یقین شده باشد، نباید در غیر از مواردی که مورد درخواست بوده،

مورد استناد قرار داد.

**آقای مؤمن -** یعنی از باب بیّنه [نمی توان این اطلاعات را مورد استناد قرار داد].

**آقای مدرسی یزدی -** نه، حتی از باب علم هم نمی شود به این اطلاعات ترتیب اثر داد.

**آقای مؤمن -** حکم این مصوبه، «علم» را در بر نمی گیرد.

**آقای مدرسی یزدی -** اطلاق دارد. من معتقدم که این مصوبه خلاف شرع است. حالا رأی بگیرید. چون محدودیت استفاده از اطلاعات شامل موردی که علم و قطع حاصل می شود هم هست و در این موارد هم نمی توان اطلاعات را مورد استناد قرار داد؛ یعنی حتی اگر قرائن به اندازه ای جمع شده است که قطع حاصل شود که به عنوان مثال فردی مجرم است - [با اینکه] از لحاظ اسلامی هم چنین مجرمی، مجازات خاصی دارد - اما طبق این مصوبه حق مجازات کردن نداریم. برای همین اطلاق این بند، خلاف شرع است.

**آقای شب زنده دار -** طبق قوانین خودشان ...

**آقای مدرسی یزدی -** خب این بند، تصریح خاص است.

**آقای مؤمن -** اطلاعات ... دریافت شده است.

**آقای مدرسی یزدی -** اتفاقاً نه. می دانم این بند، خلاف قوانین داخلی نیست، ولی در قوانین داخلی ماده ای نداریم که مخالف این مصوبه باشد.

**آقای شب زنده دار -** در این زمینه، قانون داریم.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، کدام قانون؟

**آقای شب زنده دار -** در باب قضاوت، قانون می گوید که اگر دلیلی حجیت داشته باشد، قضاوت می تواند به آن استناد کنند.

**آقای مدرسی یزدی -** آن مقرراتی که شما می فرمایید «عام» است و این بند از موافقتنامه، «خاص» است.

**آقای شب زنده دار -** نه، حکم این بند از موافقتنامه خاص نیست؛ آن مقررات مربوط به قضاوت، در اینجا حاکم است.

**آقای مدرسی یزدی -** نخیر.

**آقای شب زنده دار -** مقررات عام قضاوت، مثل اصل چهارم قانون اساسی است [و بر کلیه قوانین، از جمله مواد این موافقتنامه حاکم است].

**آقای مدرسی یزدی -** نخیر، این نظری است که شما دارید؛ یعنی آیا واقعاً مقررات



راجع به قضاوت [بر این مصوبه] حاکم است؟! نخیر، چون این مصوبه خاص است، نمی‌توان آن مقررات مربوط به قضا را حاکم دانست؛ یعنی این مصوبه می‌گوید اطلاعات خواسته شده را نمی‌توان در سایر موارد، مورد استناد قرار داد. مقررات مربوط به قضاوت، عام است؛ آن مقررات می‌گوید اموری که قاضی می‌تواند بر طبقش عمل کند، علم خود قاضی است، بی‌ینه است و... اما این مصوبه، [خاص است و می‌گوید] قاضی نمی‌تواند [مطابق علم خود و سایر ادله‌ی اثبات دعوا عمل کند].

**آقای شبزنده‌دار -** نمی‌توانیم ولی اگر [قانونی خلاف آن باشد، عمل به آن قانون ایراد] ندارد.

**آقای مدرسی‌یزدی -** در باب قضاوت [به صورت عام] گفته شده که قاضی می‌تواند به علم خود عمل کند، ولی در این مصوبه به صورت خاص آمده که نمی‌شود به چنین علمی ترتیب اثر داد.

**آقای شبزنده‌دار -** این بند، استثنا نیست.

**آقای مدرسی‌یزدی -** قطعاً این بند مصوبه، مخصّص آن مقررات عام است. هیچ شبهه‌ای هم در این خصوص نیست.

**آقای رهپیک -** در یکی از مواد این مصوبه آمده است که اگر اجرای این موافقتنامه، مغایر با نظم عمومی، امنیت و... باشد، [لازم‌الوفاء نیست].<sup>(۱)</sup>

**آقای مدرسی‌یزدی -** خب این مصوبه، خلاف نظم عمومی نیست، بلکه این خلاف دین ماست.

**آقای رهپیک -** چرا دیگر، [خلاف نظم عمومی می‌شود].

**آقای مدرسی‌یزدی -** نه، خلاف نظم عمومی نیست، [بلکه] خلاف دین است.

**آقای رهپیک -** [خلاف دین بودن هم]، همان مخالفت با نظم عمومی می‌شود.

**آقای مدرسی‌یزدی -** خلاف دین است؛ تازه این مورد [= موارد مندرج در بند (۱) ماده (۶) مصوبه]، به عنوان استثنای بر اصل معاضدت است.

۱. بند (۱) ماده (۶): «در چهارچوب این موافقتنامه، طرف درخواست‌شونده در صورتی که معتقد باشد که اجرای درخواست ممکن است به حاکمیت ملی، امنیت، نظم عمومی و دیگر منافع اساسی کشورش خدشه وارد می‌نماید یا مغایر با قوانین داخلی و یا تعهدات بین‌المللی آن باشد، در این صورت می‌تواند به صورت جزئی یا کامل از اجرای آن امتناع نماید.»

**آقای علیزاده -** ولی واقعاً آیا ممکن است این همکاری مربوط به همین مواردی باشد که شما مثال زدید!

**آقای مدرسی یزدی -** حالا به هر حال، چیزی که ما فهمیدیم این است؛ مختارید به این اشکال رأی بدهید یا رأی ندهید.

**آقای مؤمن -** شما ماده (۱) موافقتنامه را هم بخوانید، ببینید باز هم نظرتان همین است که الآن می فرمایید یا نه؟

**آقای مدرسی یزدی -** «ماده ۱- تعهد همکاری

طرف‌ها طبق مفاد این موافقتنامه، در حیطة اختیارات و صلاحیت خود با رعایت قوانین داخلی و نیز تعهدات بین‌المللی دولت‌های خود، همکاری خواهند نمود.»

**آقای مؤمن -** طبق ماده (۱) این مصوبه، همکاری «با رعایت قوانین داخلی» هر دو طرف است.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، خب، مخالف قوانین داخلی نیست، ولی کدام قانون داخلی ما، مخالف بند (۲) ماده (۸) این مصوبه است؟

**آقای مؤمن -** مگر [بر اساس قوانین داخلی ما] علم قاضی حجت نیست؟

**آقای مدرسی یزدی -** [مسئله‌ی حجیت علم قاضی در باب قضاوت و عمل به علم]، عام است و این بند مصوبه، خاص است.

**آقای مؤمن -** [علم قاضی] حجت است و [این مورد هم با موارد دیگر از جهت حجیت علم قاضی] فرقی نمی‌کند.

**آقای مدرسی یزدی -** حالا فهم بنده، این است.

**آقای مؤمن -** [مقررات راجع به قضاوت و حجیت علم قاضی] قانون عامی است که در اینجا نیز معتبر است.

**آقای مدرسی یزدی -** نه.

**آقای مؤمن -** [ماده (۱) این مصوبه هم گفته که اجرای مفاد موافقتنامه] با رعایت مقررات داخلی است.

**آقای مدرسی یزدی -** این بند مصوبه دارد مقررات عام باب قضاوت را تخصیص می‌زند.

**آقای مؤمن -** نخیر.

**آقای مدرسی یزدی -** این بند مصوبه می‌گوید در اینجا نمی‌توانید به علمی که در همه جا حجت است، عمل کنید.

**آقای مؤمن -** نخیر، ماده (۱) مصوبه می گوید: اجرای مفاد موافقتنامه «با رعایت قوانین داخلی» است؛ «با رعایت قوانین داخلی» یعنی اگر بخواهید به علمی که از طریق این اطلاعات به دست می آید، استناد کنید، باید قانون داخلی هم این اجازه را بدهد.

**آقای مدرسی یزدی -** من خودم به این ایراد رأی می دهم، دیگران هم اگر موافق این نظر هستند، می توانند رأی بدهند.

**آقای عزیزاده -** آقایانی که این بند (۲) ماده (۸) را خلاف شرع می دانند، [اعلام رأی بفرمایند].

**آقای شبزنده دار -** در ماده (۲) این مصوبه،<sup>(۱)</sup> موضوع «جرائم مربوط به نقض حقوق مالکیت معنوی» خلاف نظر حضرت امام خمینی (علیه الرحمه) است. البته الآن نمی دانم نظر مقام معظم رهبری در این مورد چیست؟

**آقای مؤمن -** آقایان فقها این [حق مالکیت معنوی] را قبول ندارند.

**آقای شبزنده دار -** حضرت امام (ره) [نقض حقوق مالکیت معنوی را به عنوان جرم] قبول ندارند.

**آقای مدرسی یزدی -** الآن که حقوق مالکیت معنوی قانون دارد و طبق قوانین نقض حقوق مالکیت معنوی جرم تلقی می شود.<sup>(۲)</sup>

۱. ماده (۲) لایحه موافقتنامه همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور فدراسیون روسیه: «ماده ۲- زمینه های همکاری

۱- طرف ها، در زمینه پیشگیری، شناسایی، مقابله و کشف جرائم از جمله جرائم ارتكابی توسط گروه های جنایتکار سازمان یافته (سازمان های جنایتکار) به ویژه جرائم زیر، همکاری خواهند نمود: ... جرائم مربوط به نقض حقوق مالکیت معنوی»

۲. از قوانین مرتبط با حقوق مالکیت معنوی می توان به قوانین زیر اشاره نمود:

سیاست های کلی شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای مورخ ۱۳۸۰/۳/۹ و مورخ ۱۳۸۰/۳/۱۳ مقام معظم رهبری؛ مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای مصوب سال ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست های کلی نظام برای رشد و توسعه فناوری در کشور مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ سیاست های کلی تشویق سرمایه گذاری مصوب ۱۳۸۹/۱۱/۲۶ مقام معظم رهبری؛ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷؛ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳/۵/۱۸؛ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به

**آقای شبزنده‌دار -** حضرت امام (علیه‌الرحمه) می‌گویند [نقض حقوق مالکیت معنوی] جرم نیست.

**آقای مدرسی‌یزدی -** با توجه به تصویب قانون در این زمینه، این موضوع از باب ولایت، جرم دانسته شده است. الآن «قانون» در این زمینه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

**آقای علیزاده -** دو تا مطلب در اینجا درباره مالکیت معنوی قابل ذکر است: [یکی اینکه] آقایان [فقه‌های شورای نگهبان] نقض حقوق مالکیت معنوی به‌عنوان جرم را در معاهدات بین‌المللی ایراد نمی‌گیرند؛ [دوم اینکه] از جهت قوانین داخلی هم آقا [=] مقام معظم رهبری] فرموده‌اند که مورد پذیرش قرار گیرد.

**آقای مدرسی‌یزدی -** نه، این مسئله ایرادی ندارد. اما موضوع قبلی از نظر بنده اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** حضرت آیت‌الله مدرسی یزدی بند (۲) ماده (۸) این مصوبه را خلاف شرع می‌دانند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** اطلاقش را خلاف شرع می‌دانم.

**آقای علیزاده -** بله، ایشان اطلاق ماده را خلاف شرع می‌دانند.<sup>(۱)</sup>

→

کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی مصوب ۱۳۸۰/۷/۴؛ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقتنامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی علائم و پروتکل مربوط به آن مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۸؛ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقتنامه لیسبون در مورد حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آنها مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۸ (۱۳۳۷/۸/۹)، تجدیدنظر شده در استکھلم به تاریخ ۱۴ جولای ۱۹۶۷ (۱۳۴۶/۴/۲۳) و اصلاح شده به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۳۵۸/۷/۶) مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۲۷؛ قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۲؛ قانون موافقتنامه تجاری اکو (اکوتا) مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۱۶؛ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده همکاری در ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶/۷/۲۴.

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۲۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۶۶/۴۷۷۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۲۱۲۸ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۱، لایحه موافقتنامه همکاری بین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور فدراسیون روسیه مصوب جلسه مورخ اول آبان‌ماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۵ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض  
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب  
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سبانه‌ای است.  
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال  
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت  
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir